

# متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون" (Révolution) با رفیق نورالدین کیانوری

در زمینه "راه توده"

## باید فکری کرد!

### خان فرزندان راستین و فداکار طبقه کارگر ایران در خطر جدی است!

نماز جمعه این هفته (ششم اسفند ۶۱) یکبار دیگر در روی خط ها را نشان می دهد:  
"بایسد در زمینه" عدالت اجتماعی فکری کرد!"

(حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی)

این بیان در آغاز پنجمین سال پس از پیروزی "انقلاب کوخ نشینان علیه کاخ نشینان" (امام خمینی) بیان تلخ این واقعیت است، که اعتراف شجاعانه نخست وزیر و رئیس جمهور شهید رجایی که خطاب به زحمتکشان و مستضعفین از آنها خواست فریاد بزنند که رجایی هنوز کاری برای ما انجام نداد، هنوز مسئله روز جمهوری اسلامی نهادهای جمهوری بیرون آمده از انقلاب خونین ضد امریالیستی و خلقی مردم میهن ما به رهبری امام خمینی، باقی مانده است!  
نه "دستان پینه بسته" دهقانان، که "سند مالکیت" بر زمین است، (امام خمینی) زمین خود را ششم می زند، نه کارگران، که به قتل امام خمینی "ستون انقلاب" پیروی در زندگی خود بدست آورد مانند "دراغوشان کفاف خرچشان" (آیت الله موسوی اردبیلی) را می دهد، نه سقف مسکن بالای سر زحمتکشان به آنها سرپناه می دهد، نه دست فارتگران و محکومین، که همان تروریست های اقتصادی هستند قطع شده است، نه بازرگانی خارجی، طبعی نه دست فارتگران و محکومین، که همان تروریست های اقتصادی هستند قطع شده است، نه بازرگانی خارجی، طبعی

## راه توده

شهر مولان حزب متظلم در طرح از کشور

جمعه ۱۲ اسفند ۱۳۶۱ مطابق ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۴  
۱۹۰۴ شماره ۱۹۸۲  
سال اول هجری ۱۳۶۱  
شماره ۹۰۰

## از کدام گناهان توبه کنیم؟

در شماره پیش جوانی از سخنان آیت الله جنتی را پیرامون یازده اشتباهی نا جوانان - دانه و عهد شکنانه بخشی از رهبران حزب توده، ایران مورد توجه قرار دادیم.  
در این شماره جوانی دیگر از این سخنان آیت الله جنتی را مورد بررسی قرار می دهیم

در سخنرانی پیش از خطبه های نماز روز جمعه ۲۲ بهمن که ضمناً مصادف با آغاز پنجمین سالگرد انقلاب سرد می و ضد امریالیستی میهن ما بود، آیت الله جنتی عضو فقهای شورای نگهبان یازده اشتباهی غیر قانونی و عهد شکنانه چند روز پیش از آنرا تایید کرد و فزون بر آن با لحنی بسیار تند یاد آموخت تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران اخطار کرد که "حساب خود شانرا بکنند".  
انقلاب شکوهمند مردم ایران علیه رژیم دست نشانده شاه با شعارهای استقلال - آزادی - عدالت اجتماعی که، مورد پشتیبانی بد ریخ اکثریت قاطع ملت بود آغاز شد و به پیروزی نهایی رسید.

سرنوشت سه شعار اصلی انقلاب عبرت انگیز است: آزاد بیهی سیاسی و اجتماعی را که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته و تضمین شده است را با محدودیت های مطبوعاتی و عطی برای حزب ما و بالاخره -  
دستگیری مدافعان انقلاب، بخشی از رهبری حزب ما، از محتسوی تهنی ساختند. بطوریکه دیگر نه آزادی واقعی بیان وجود دارد، نه آزادی واقعی قلم، و نه حتی آزادی اندیشه! آقای

بقیه در صفحه ۴

## خجسته یاد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

هفدهم اسفند (هشتم مارس) روز جهانی زن "است" ۱۳۰ سال پیش در این روز، گروهی از زنان کارگر در آمریکا برای گرفتن ابتدایی ترین حقوق خود بپاخواستند و در سال ۱۹۱۰، کلارا تستلین، چهره برجسته جنبش کارگری آلمان، زنی که زندگی خود را وقف مبارزات مردمی کرده، پیشنهاد کرد که برای ایجاد همبستگی میان زنان زحمتکش سراسر دنیا، این روز، بعنوان روز جهانی زن تعیین شود. از آن زمان، در اکثر کشورهای دنیا، روز هشتم مارس، بعنوان روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان، جشن گرفته می شود، و فقط در آن عده از کشورهای

## هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دانند

جشن پیامهای زیادی از سوی احزاب و سازمانهای مترقی و دمکراتیک به برگزار کنندگان رسید. از جمله، جنبه "دکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست ترکیه، اتحادیه "انجمنهای کارگران ترک در آلمان فدرال (FIDEF)، حزب کمونیست پاکستان، حزب کمونیست هند، کمیته همبستگی فدائیان ایرانی (ASK)، اتحادیه "دانشجویان کرد در اروپا (KSSE)، حزب کمونیست عراق، اتحادیه دانشجویان مراکی در آلمان فدرال و برلین

بقیه در صفحه ۸

## آلمان فدرال

در روز شنبه ۱۷ اسفند (۲۶ فوریه) جشن با شکوهی برای گرامیداشت چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن از سوی هیواداران حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال در شهر کلن برگزار گردید. در این جشن بیش از ۱۲۰ نفر میهمان ایرانی و خارجی شرکت کردند. بگزارش خبرنگار ما، بهمناسبت برگزاری این

# فلسفه راهزنی

حتی در بدترین سالهای " جنگ سرد " هم خود پستی، بیشرمی، عدم رعایت ابتدائی ترین قواعد احترام و ادب و بی اعتنائی نسبت به حق حاکمیت و منافع دیگر خلقها، در سیاست ایالات متحده آمریکا بحدی که اینروزها شاهد آنیم نرسیده بود. همه اینها در سند سری " کسک پاتریک " که در آن اهداف و وسایل دستیابی به آنها در سیاست کنونی ایالات متحده نسبت به کشورهای در حال رشد بازتاب یافته اخیرا در هفته نامه " لینک " چاپ هند وستان انتشار یافت.

با تاکید بر افزایش نقش مواد خام و منابع انرژی کشورهای در حال رشد، برای ایالات متحده آمریکا مؤلف این سند که بنا بنوشته هفته نامه کسک پاتریک نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد است اعتقاد دارد که سالهای هشتاد، سالهای رود رروئی و درگیری برای دسترسی به

این منابع خواهد بود. مانع اصلی در اینجا " ناسیونالیسم اقتصادی " معرفی شده است. دستگاههای تبلیغاتی امریالیستی کوشش دارند و ولتیه نو استقلال را برای دفاع از منابع ثروت پستی طبیعی خود از غارتگری و گذاشتن آنها در خدمت منافع ملی بدینگونه نامگذاری کرده اند. باین ترتیب معلوم میشود که آماج اصلی سیاست واشنگتن نسبت به دولت های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین غارت ثروت های ملی آنهاست.

برای دسترسی باین اهداف تکیه عمده بر استفاده از قوه قهریه گذاشته شده است. در سند گفته میشود که استفاده از " قوه قهریه همیشه بخشی از روند تاریخی بوده است و مناسبت از آن بیم داشته باشیم. از منافع آمریکا باید بکفک اقدامات قاطع دفاع کرد. اگر ما اطمینان داریم که تدابیر اتخاذ شده بنفع ماست، نباید کار را نیمه تمام بگذاریم و به عدم موافقت حتی متحدان اروپائی، چه رسد به کشورهای

جهان سوم تسویه کنیم. مؤلف سند مینویسد ایالات متحده آمریکا باید نیروی مسلط سیاسی و نظامی در مناطق استراتژیک مهم دنیا نظیر دریای کارائیب، دریای مدیترانه، جنوب آفریقا، اقیانوس آرام، اقیانوس هند و غیره باشد. این امر باید هم بوسیله تشدید حضور نظامی آمریکا، وهم بکفک متحدان تحقق یابد.

با تقسیم کردن کشورهای در حال رشد به طرفدار و مخالف آمریکا، کسک پاتریک توصیه میکند که برای تضعیف کشورهای مخالف آمریکا بسایند نقشه های همه جانبه برای خرابکاری در امور آنها را در همه زمینها تهیه کرد. مثلا در ارتباط با هند وستان که سیاستش بحدی اق آمریکا- نیپا خوشتر نباشد، در نقشه های سی- آی- ای حتی تقسیم آن به کشورهای کوچک مستقل پیش بینی شده است. بطوریکه اخیرا روزنامه " پتروپت " نوشت ایالات متحده آمریکا عملیات خود را بمنظور کشاندن جمهوری هند وستان به مرز بحبهران اقتصادی و سیاسی، دامن زدن به اختلافات مذهبی و ترغیب تایلات جدائی طلبانه و پاشیدن تخم نفاق میان هند وستان و دیگر کشورهای در حال رشد بسیار تشدید کرده است. همچنین در نظر گرفته شده که از تمام راهها برای کمک به روی کار آمدن یک دولت راستی متمایل به آمریکا استفاده شود.

" بعنوان اهرم فشار بر کشورهای در حال رشد از شدید به استفاده از نیروی نظامی پیشنهاد استفاده از کفک اقتصادی و نظامی، در اختیار گذاشتن اعتبارات، موانع گمرکی و دادن مواد غذایی و غیره باید بهسر گرفته شود. " لازم است گروههای بانفوذ تر در کشورهای در حال رشد و همچنین افکار جامعه بین المللی را قانع کرد که هرگونه گرایش در تکامل اجتماعی کشورهای جهان سوم که مغایر با تجربیات تاریخی، سیاسی و اقتصادی ما باشد با خسوف خطر تسلط شوروی را به همراه می آورد. "

سند منتشر شده باعث واکنش مخفانه بسیار منفی در هند وستان گردید. البته همانطور که انتظار میرفت سفارت آمریکا در هند وستان وجود آنرا تکذیب کرد و در پاسخ " لینک " مجبور شد فتوکپی صفحه اول آنرا منتشر نماید. اما صحبت بر سر وجود این سند نیست بلکه این اهمیت دارد که سیاست تشریح شده در آن دارد موبو در زندگی پیاده میشود و در این جهت میتوان به واقعیات انکارناپذیر زیادی اشاره کرد.

یکی از آنها " برناه " دموکراسی و دیپلوماسی آشکار " است که همین جندی پیش اعلام شد. اینکه چنین سیاستی تا چه حد میتواند در دروازا ما موثر باشد مسئله دیگریست. واقعیات نشان میدهد که دوران غارتگری آشکار و بدوین مجازات بین المللی بدتها پیش سهری گردیده است. شاهد بارز آن رویداد های ویتنام، ایران و دیگر مناطق در دهه گذشته است. سیاست خارجی کنونی واشنگتن که بسوی بست کسردن پایهای مناسبات میان کشورها و داخله خشونت آمیز در امور داخلی دیگر کشورها متوجه است خطری است جسدی برای صلح بین المللی و باین جهت باید شدیدا محکوم شود.

## اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه تکذیب می کند

UNEF دیده می شود.

بدینوسیله ضمن تکذیب شدید این مسئله، اعلام می کنیم که اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه UNEF مرکز چنین فراخوانی امضا نکرده است. ما از این فرصت استفاده کرده و موضع خود را که به تصویب شصت و هفتمین کنگره UNEF رسیده است اعلام می داریم: " ما فراموش نمی کنیم که خلق ایران شاه را بیرون کرده است. ما موج شوروی را که اکنون رهبران دموکرات ایران را زیر ضرب گرفته است محکوم می کنیم. "

حوادث اخیر ایران و آخرین تحولات این کشور این موضع ما را که مورد قبول اکثریت دانشجویان فرانسوی است و به ما اجازه همگامی با چنین تظاهراتی را نمی دهد، تایید می کنند. به همین جهت ما اعتراض خود را به کسانی که از آرم و محبوبیت اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه UNEF استفاده دروغین و نامشروع می کنند اعلام می داریم.

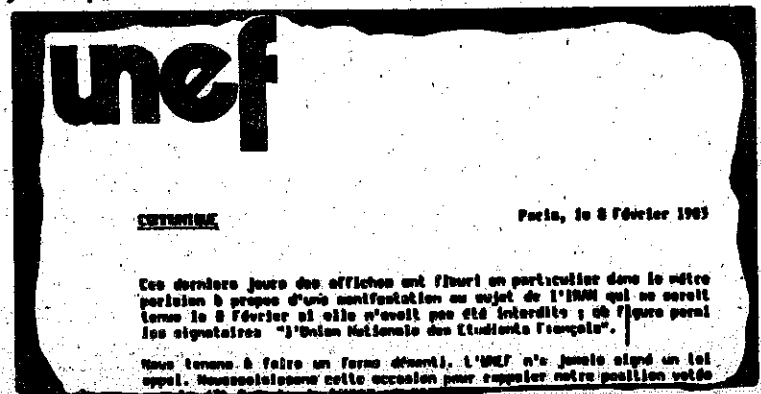
از سوی دیگر، ما جدا امید داریم که خسوفت در مورد مسئله ایران، که در برخی از مراکز دانشجویی و در کوی دانشگاه به صورت عادی در آمده است، مخانه یابد. ما خواستار

اطلاعیه زیر توسط اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه ( یونف ) در رابطه با اعلام تظاهراتی، که قرار بود در تاریخ ۸ فوریه در پاریس توسط ضد انقلاب انجام شود و همچنین در رابطه با سوء استفاده از نام این اتحادیه توسط ضد انقلاب ایرانی، داده شده است.

شایان توجه است، که دولت امریالیستی فرانسه، که نقش آن در کمک به صدام و ضد انقلاب بمنظور براندازی رژیم جمهوری اسلامی برای همه روشن است، اجازه خود را برای برگزاری این تظاهرات یک روز قبل از برگزاری آن، هر روز اعلام خبر دستگیری بخشی از رهبران حزب تسوده ایران، پس گرفت!

### اطلاعیه

در چند روز گذشته آفیش هایی را جمع تظاهراتی در مورد ایران، بخصوص در متروهای پاریس، پدیدار شده اند. این تظاهرات در صورتی که ممنوع اعلام نشده بود قرار بود روز ۸ فوریه برگزار شود. در میان امضا کنندگان فراخوان مربوطه نام " اتحادیه ملی دانشجویان فرانسوی "



# از کدام گناهان توبه کنیم؟

بقیه از صفحه ۱

جنتی در همین سخنرانی خود، حتی هنرمندانی را که هنر "غیر اسلامی" عرضه میکنند، تقریباً آشکارا تهدید به اعدام کرد.

حفظ استقلال هم در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب بلافاصله در دست امثال قطب زاده‌ها و بزدها و بنی صدرها به غرب لژی آغازید. و با ایجاد مناسبات "برادرانه" و دوستانه با ترکیه و پاکستان و کارشناسی در مناسبات نزد بستر با کشورهای که متحدان طبیعی انقلاب ایران است.

شعار "مرگ بر شوری" و مبارزه با "کفر والحاد جهان" کار رایجی گشتند که مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران کاملاً لوٹ شد. سیاستی ماند عدالت اجتماعی که آنرا هم فقهای شوروی تکمیل "مخاربا شرع مقدس اسلام" تشخیص دادند. اینها دیگر تمام هواداران صادق انقلاب هم دارند. بر سرمد که محافل راسترا میگویند کم کم بسک اسلام حامی غارتگران و مستکبران را جانشین اسلام انقلابی مسلط در روزهای انقلاب نمایند. و صداهای اعتراضی، چه از جانب محافل مذهبی و چه غیر مذهبی خفه میکنند.

و اکنون برای مسیح و ناپبودی انقلاب، از حزب توده ایران، سرسخت ترین بیانگر و مدافع منافع توده‌های زحمتکش خلق شروع کرد مانند تا مسلمانان انقلابی مبارز و متعهد که به شعارهای اولیه انقلاب وفادار ماندند.

آیت الله جنتی در سخنرانی خود با لحنی تند و آزر به دیگر اعضا و هواداران حزب توده ایران هشدار داد که اگر براه خود وفادار بمانند "این ملت و این امت مجال زندگی و فرصت به ایها نخواهد داد."

توده‌ایها طی این چهار سال نشان داده اند که نه علیه انقلاب و ملت و نه علیه اسلام و امت توبه نمیکنند و سوسه همراهِ آن نیروهای مسلمان مبارز و انقلابی، به منافقانه اینک قشریها و حجتیها صدایشان را در سینه‌ها محبوس کرد مانند برای تحقق خواستهای اولیه انقلاب آزادی استقلال عدالت اجتماعی و تحکیم و نیابت جبهه‌های مردمی و خد امیرالیستی انقلاب در صفوف مقدم بیچار گردانند و میکنند. این نقشه آیت الله جنتی و دیگر روحانیون طراز اول هم بخوبی میدانند.

عین گفته‌های آیت الله جنتی در سخنرانی فوق الذکر بهترین شاهد این مدعاست: "شرقیها دلخوشیهای داشتند و از بزرگترین دلخوشیهایشان حزب توده بود. می‌گفتند ما با این عوامل نفوذی که هر جا داریم و با اطلاعاتی که بوسیله آنها کسب میکنیم و با این عضوگیری‌ها و امکانات گوناگون و این حرکت‌های سیاسی که حکومت را تحریک کنیم و شعارهای حزب الهی که بدان آنها میگذاریم میتوانیم نیرو آماده کنیم که در فرصت مناسب از آن بهره برداری کنیم". این اعتراضات تا خواستهایست که نیاز به هیچ گونه تفسیر ندارد راستگرایان ما را به علت دفاع از انقلاب و روشنگری مورد هجوم قرار دادند.

چرا که از نفوذ روز افزون و اعتبار فزاینده حزب ما وحشت داشتند.

تمام فعالیت حزب توده ایران در این چهار سال صرف کمک به حفظ و تحکیم دستاوردهای مردمی و خد امیرالیستی انقلاب و مبارزه با دشمنان آن و توطئه‌گران وابسته به امیرالیسم شده است. چه بسا کفکهای پربهای حزب ما در کنگره حاکمیت برای رویارویی با برخی توطئه‌کاران خطرناک ضد انقلاب شاهنشاهی - ساواکی - آمریکایی سرنوشته ساز بوده است. اعضا و هواداران حزب توده ایران پیروزان تجاوز ارتش صدام به میهن ما، بنا به دستور کمیته مرکزی به جبهه‌های جنگ شتافتند. و تا اکنون در مها قربانی تقدیم وطن و انقلاب گردانند.

حزبی که به انقلاب وفادار بوده و برای تحکیم و تثبیت آن اینهمه مبارزه کرده و قربانی داده، چگونه میتوانسته علیه آن جاسوسی کند؟ آنهم برای کشوری که خود پیروزی انقلاب ایران را یک پدیده بسیار بر اهمیت و مثبت در زندگی بین المللی بشمار آورد و همیشه با مهر و علاقه فراوان پشتیبان مبارزات حق طلبانه و عادلانه مردم ایران بوده است.

آیت الله جنتی در سخنرانی خود از توده‌ایها خواست که از گذشته‌های خود توبه و استغفار کنند. ولی نفقت کدام گناهان را در نظر دارد. ما در اینجا لازم دانستیم بار دیگر آنچه را که بر تاج ما از آنها "توبه" کنیم بشمریم: از خواست برفراری عدالت اجتماعی، احقاق حق، فائز، کارگران، دادن آزادی و مزبوسی به دهقانان، تامین بهداشت و درمان و مسکن و آموزش و فرهنگ و البته مبارزه برای تمام زحمتکش و فرستادگان نیروی کار در ایران توبه خواهیم کرد. از خواست تامین و تضمین آزاد بهای، سیاسی و اجتماعی، بش پهنی شده در قانون اساسی توبه نخواهیم کرد.

از خواست تامین استقلال واقعی کشور و نیافتادن مجدد در دام توطئه‌های امیرالیسم بین المللی و وابستگان در منطقه توبه نخواهیم کرد. از آنکه تمام کارگران و زحمتکشان و محرومان را در سراسر جهان بر قنطرة از رنگ پوست و نژاد و عقاید مذهبی برادر بد بگر میدانم توبه نخواهیم کرد. از خواست احقاق حقوق انسانی برای زنان و شناسایی برابری کامل زنان و مردان در تمام زمینه‌ها و مبارزه با کسانیکه زن را خد متناور کنیز و جز "لوارم خانه بحساب میاورند توبه نخواهیم کرد. از مبارزه علیه امیرالیسم و نواستعمار از مبارزه برای آزادی خلقهای آسیر از مبارزه برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و جلوگیری از انفجار فاجعه هسته‌ای توبه نخواهیم کرد.

اکثریت قریب باتفاق مردم مسلمان ایران همچنان خواهان تحقق شعارهای اولیه انقلاب هستند. ما دلیلی نمیبینیم که چرا نباید در کنار برادران و خواهران مسلمان مبارز و انقلابی خود باقی بمانیم و چرا باید به آرمان مقدس خلق خود پشت کنیم؟ آیت الله جنتی، آیا شما از ما میخواهید که از خط

به محرومان و زحمتکشان جامعه دست بکشیم و تسلیم غارتگران شویم و به آنان دست برداری بدهیم؟ اینکار از مناس ساخته نیست. برای ما سرز میان انقلابی و خد انقلابی از میان موجد و ملحد نمیگذرد بلکه وفاداری به آرمانهای خلق زحمتکش و عدالت اجتماعی پیش شرط اصلی است. بنظر ما هر کس در جانب توده‌های زحمتکش خلق باشد، صرف نظر از تمایزات عقیدتی و سیاسی، طرفدار انقلاب و هر که حامی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان باشد، اعم از مسلمان و نامسلمان، معمم و مگلا، یا ریشی یا بدون ریش ضد انقلابی است. منطق ما که همان منطق تاریخ است چنین حکم میکند.

خلاصه کنیم: هجوم به حزب توده ایران ضربه سهمگینی بر وحدت نیروهای انقلابی کشور است و روی سرنوشته انقلاب تاثیر بسیار منفی بجای خواهد گذاشت. مبتکران این توطئه رذیلانه، دست سست امیرالیسم بین المللی را برای تحقق توطئه برانداز

و یا پیاده کردن نقشه الکساندر هیگ که مسخ و انحراف انقلاب بدست روحانیون محافظه کار باشد باز کردند. تمام کسانیکه آلت دست دشمنان انقلاب شده‌اند و به تحقق نقشه‌های شومشان کمک میکنند، مسئولیت سنگینی را در برابر خون شهدای انقلاب و تاریخ خونین میهن عزیز ما ایران بعهده خواهند گرفت.

تا آنجا که مربوط به توده‌ایهاست، ما همچنان در کنار مسلمانان مبارز و انقلابی که اینروزها مانند ما زیر فشارند، باقی خواهیم ماند و از خطوط ضد امیرالیستی و مردمی انقلاب دفاع خواهیم کرد. برای تضمین و تحکیم حکومت واقعی قانون نویسی اقتصادی، مطابق خواستهای زحمتکشان توسعه فرهنگ و آموزش و دیگر مسائل میسر کشور از چگونه‌گویی در رخ نخواهیم کرد. ما فرزندان این مردم و این آب و خاکیم و در میان مردم باقی خواهیم ماند.

## دلائل دستگیری

بقیه از صفحه ۲

این "توطئه" نسبت داده می‌شود که از حق مسلم تضمین شده خود در اصل ۲۴ قانون اساسی استفاده کرده و گویا برای "بی اعتبار کردن مسئولین" کوشیده است و مثلا گفته است که: "آقای احمد توکل یکی پیش نویس ضد کارگری برای قانون کار تدوین و تنظیم کرده است" و یا هیئت دولت "اجازه خروج صد هزار تومان جواهرآلات را به "مردم" داده است و این اقدام به نفع زحمتکشان و مستضعفین نیست! و یا خواسته‌اند از حق مسلم تضمین شده خود در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی استفاده کنند و دست به تشکیل حزب بزنند، کنگره کنند، کارگران از طرق قانونی و انقلابی از "انجمن‌ها و شوراهای اسلامی" خود دفاع کنند و با بند ۳۳ قانون کار زمان طاغوت مبارزه کنند!

آری، چنین افده و آینده هم، پس از اسلام "دلالی محکم" باز هم بیشتر روشن خواهد شد کرده که اتهامات "جاسوسی" و غیره از چه حکمی برخوردارند و چگونه وسیله محدود و لغو حقوق

# خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۱

## زن ایرانی محروم ترین محرومان

در میهن ما، زنان همواره قربانی ستم و استثمار نظامهای بهره کش بودمانند. در نظام فئودالی زن از ابتدای ترین حقوق انسانی محروم بود، محیط حیانتش از کار طاقت فرسای خانه فراتر نمی رفت و شخصیت او تحقیر می شد. هنوز در اکثر نقاط ایران، بخصوص در مناطق روستایی، بقایای نظام زن ستیز فئودالی باقی و پابرجا است، و زن زحمتکش ایرانی، همچنان از ستم مضاعف رنج می برد.

گسترش نظام سرمایه داری، نه تنها نیک بختی

جنینش تنیاکو علیه استثمار انگلیس و دربار ناصرالدین شاه، برای نخستین بار شرکت زنان مشهور و موثر بود. پس از آن، در انقلاب مشروطه نیز زنان مبارز فعالانه در نهضت شرکت جستند.

از اوایل دهه ۲۰ تا کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، زنان ایرانی در مبارزات مردمی علیه استثمار و استبداد، مشارکت روز افزونی داشتند. بخصوص مخفی شدن نفت مرصم از مبارزات استقلال طلبانه و آزادی خواهانه زنان ایرانی بود. در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز زنان زحمتکش شرکت جسته و دوشا دوش علیسه رژیم کومنتا به میدان آمدند.

روشن بود که بدون دفاع از انقلاب و تقویت آن تحقق خواسته های دیگر ممکن نیست.

تردیدی نیست که انقلاب باید این امید زنان زحمتکش ایرانی را جامه حقیقت ببوشاند.

## انقلاب در مقابل زنان وظیفه مند است

رهبر بارها به سهم بزرگ و نقش موثر زنان در انقلاب اشاره کرده اند. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در این باره میگویند:

ما می بینیم و دیدیم که زنان همدوش مرد



و رهایی برای زن بارمغان نیاورده بلکه با استثمار نیروی کار زنان و تبدیل آنان به عروسک هساو مهرمهایی در ماشین غارتگر سرمایه داری، فشار ظلم و استثمار وارد بر زنان ایرانی را تشدید کرد. بقول امام خمینی، در تمام طول تاریخ ایران قبل از انقلاب، "آنگذر جنایات که به زن کرده اند، به مردان نکرده اند."

زنان زحمتکش ایرانی با گوشت و پوست خود مزه طخ استثمار و ستم سرمایه داری را می چشند و از این رو در کنار برادران خود، قاطعانه و پیگیر از هرگونه اقدامی علیه سرمایه داران بزرگ دفاع می کنند آنها می دانند که ریشه اصلی درد و رنجی که متحمل می شوند نظام اقتصادی-اجتماعی بهره کشی است که نه تنها آنها، بلکه برادران آنها را نیز استثمار می کند، و بسرای همین مبارزه بخاطر احقاق حقوق خود را جدا از مبارزه مشترک با برادران زحمتکش خود طیسه سرمایه داری غارتگر نمی دانند.

## زنان و انقلاب شکوهمند ایران

اما بی شک برای نخستین بار در تاریخ میهن ما، توده های میلیونی زنان قهرمان ایرانی بطور فعال، وسیع و موثر در جریان انقلاب شکوهمند ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمسی ایران به میدان آمدند. هر چند که در مبارزه علیه دیکتاتوری سیاه محمد رضا شاهی، زنان ایرانی، بخصوص در آخرین سالهای حکومت شاه، شهدای چندی تقدیم مبارزات خلق ایران کردند، اما تردیدی نیست که وسعت و ابعاد مشارکت زنان در جنبش و انقلاب اخیر، بی سابقه است. همه بیاد داریم آن روزهایی را که زنان انقلابی و مبارزه در پیشاپیش صفوف مردم تظاهرکننده گلوله های آتشین دوخیمان را پذیرا می شدند. و باز بیادمان هست که مادران و همسران و دختران آن، چگونه دوش به دوش مردان در مبارزات انقلابی، بخصوص در نبرد روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، شرکت جستند. انقلاب برای زنان زحمتکش ایرانی مانند نوزادی بود که باید آن را تغذیه و تقویت کرد و از شر دشمنان محفوظ داشت. این نوزاد می بایست که به جوانی برسد و بر قدرت بدل شود که استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی را برای مردم میهن به ارمغان آورد. بر زنان هسا

## زن ایرانی و نهضت های مردمی

در تاریخ معاصر ایران، زنان زحمتکش میهن ما در نهضت ها و انقلابات مردمی نقش فزاینده و رشد یابنده ای ایفا کرده اند. در

دان، بلکه جلوتر از آنان در صفا قتال ایستادند.

با سرنگونی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه، نظام جمهوری اسلامی ایران که استقلال آزادی و عدالت اجتماعی را اهداف خویش قرار داده، جایگزین آن گشت. در نوسازی جامعه و بنای یک نظام مردمی و انقلابی نیز، ضرورت مشارکت فعال و وسیع زن ایرانی اجتناب ناپذیر است. بقول امام خمینی:

"ایران بادست مرد تنها درست نمی شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند."

اما برای اینکه زن بتواند در حیات اجتماعی و سیاسی کشور نقش خود را ایفا کند، باید حقوق او را به وی بازگرداند، باید شرایط مشارکت زن را در سازماندهی تولید اجتماعی و در اداره سیاسی کشور فراهم کرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به پیروی از اندیشه های امام خمینی و اهداف عالی انقلاب، دولت هسا را موظف ساخته که:

"حقوق زن را در تمام جهات ... تضمین نماید ... و زمینه های مساعد رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او" را فراهم سازد.

بقیه در صفحه ۱۰

# "ضرورت"، چه چیز و حشتناکی!

آیت الله مهدوی کئی، نماینده "واقعیین" سرمایه داران!  
 قانون "تنظیم روابط مالک و مستاجر" که با وجود نقائص آن، نکات مثبتی را نیز دربرداشته است، توسط شورای نگهبان منطبق با "موازین شرعی" شناخته نشد و رد شد.  
 یکی از نکات مثبت در قانون فوق الذکر، اجازه ای بود که به دولت داده شده بود تا خانه های خالی نگاه داشته شده را در اختیار بی خانمان ها قرار دهد. همچنین دریافت ودیعه های سنگین دهها هزار تومانی را توسط مالکین ساخته بود.

در مقاله ای، تحت عنوان "حل مسئله مالک و مستاجر در گرو اقدامات اساسی و بنیادی مسئولان" که در روزنامه کیهان ۲۶ بهمن چاپ شده است، نویسنده پس از تشریح وضوح اسفناک مستاجرین، به برشمردن این واقعیت پرداخت که "تعداد زیادی خانه خالی در سطح تهران وجود دارد ۰۰۰ تعداد خانه های خالی بسیار زیاد است و می توان گفت که به تعداد تمام مستاجرین (بی خانمان ها) ساکن تهران خانه خالی وجود دارد ۰۰۰ می پردازد وی برای یافتن راه حل مشکل به رئیس کسب و کار دادگاه های صلح مراجعه می کند و اراطها را آیت الله مهدوی کئی نقل قول می آورد.  
 ما در زیر به بیانات این شخصیت جمهوری اسلامی ایران توجه می کنیم.

یک زمانی بنی صدر از سرمایه داران خواست که "با لجنند" یا مشتری ها روبرو شوند و جنس خود را به قیمت عادلانه بفروشند. او می خواست با زبان نرم و با "لجنند ملیح" بیسسه سرمایه داران حالی کند، که در غیر این صورت "کوخ نشینان" حق خودشان را از چنگ شما بدر خواهند آورد. این "واقعیین" ای کسه او به منصف ظهور رسانیده، در خدمت کسب و کار نشینان، بلکه درست برای حفظ حقوق "کسب و کار" بود. در حالیکه "رسول اکرم سیرا" این بود که از اول مقاله میگرد با این اشخاصی ("قلدرها، زورگوها، باغدارها، ملک دارها و قافلدارها، که آن وقت مظهر طاغوت بودند") که میخواستند مردم را استثمار کنند، میخواستند مردم را استخدام کنند، (رسول اکرم) براین (ها) قیام کرد.  
 (امام خمینی - سخنرانی در جمع استادان دانشگاه ابریحان بیرونی و پرسنل هواکسی ۵۷/۱۱/۲۷)

در ادامه مقاله روزنامه کیهان، ما با اظهار راتی از آیت الله مهدوی کئی آشنا می شویم، که یکبار دیگر این "واقعیین" در خدمت "ملک دارها" را توسط وی به نمایش گذاشته می شود. روزنامه کیهان می نویسد: وی (مهدوی کئی) خطاب به مالکان اظهار داشت: "بیانید خانه

های خالی خودتان را اجاره بدهید تا مستاجران صاحب مسکن شوند."

اگر خواننده تصور می کند، که وی این خواست را به عنوان مدافع آنهایی که، به گفته امام خمینی مورد پشتیبانی رسول اکرم (ص) بودند و طلبه منافع "قلدرها، زورگوها، باغدارها و ملک دارها و قافلدارها" (امام خمینی)، بیان کرده است، اشتباه دردناکی می کند.

بسیج وجه! بسیج وجه این طور نیست، که بدور آیت الله مهدوی کئی "یک دسته فقیر" جمع شده اند، که "هیچ جا ندارد بجز صفت، حیاتی که "اصحاب صفت"، اصحاب پیغمبر هم در همانجا می خوابیدند، (۱) بسیج وجه اینطور نیست! برعکس در اطراف آیت الله مهدوی کئی، آنهایی جمع شدند، که "ملک دار" هستند و تمام نگرانی آیت الله مهدوی کئی متوجه سرنوشت آنها و "ملک" آنهاست.

توجه کنید، او این نگرانی خود را چگونه بیان می کند و خطری را که ملک "ملک دارها" را مورد خطر قرار داده است، گوشزد می کند. لحن او، که از مفاد مطالب بیان شده شنیده می شود، تقریباً ملتسانه است!

او در ادامه جمله فوق، که از مالکان طلب کرد: "بیانید و خانه های خالی خودتان را اجاره دهید"، ملتسانه اظهار می کند: "اگر اینکار را نکنید، حکم میرسد به مجلس و میگویند ضرورت است ۰۰۰!"

( "ضرورت" چه چیز و حشتناکی )  
 وی سپس به توضیح تهدیدی می پردازد، که آنرا به نام "حکم" نامیده است، که بیسسه "فرموده امام" و "تصویب دو سوم نمایندگان مجلس" ضرورت "اجرا" می یابد و دیگر حتی شورای نگهبان هم نمی تواند با آن مخالفت کند و سهر بلا گردد. وی این نکته را چنین توضیح می دهد و هشدار می دهد: "بخش از افراد میگویند، که باید تمام خانه ها را در دست مجلس هم باید تصویب کنند، که هر کس، هر جا نشسته (آنجا) مال خودش است ۰۰۰ ولی ما (؟) نمی خواهیم، که این مسأله اجرا شود ۰۰۰!"

ملاحظه می شود! آیت الله مهدوی کئی، به عنوان حامی خانه بدوشان و مستضعفین از مالکان می طلبد، که خانه های خود را اجاره بدهند ("بیانید خانه های خالی خودتان را اجاره بدهید")، بلکه به عنوان مدافع "واقعیین" منافع مالکان، که درک کرده است، که اگر "دو سوم نمایندگان مجلس ضرورت" را تشخیص دهند، دیگر کاری از دست شورای نگهبان ( "ما" ! ؟ ) هم بر نمی آید!

در دنباله مطلب، مقاله از رئیس کل دادگاه های صلح "درباره مشکلات اجاره شمیسی سوال می کند. وی پاسخ می دهد: "در حال حاضر مشکل اجاره نشینی ۰۰۰ بر تار و پوسد

مستضعفان ریشه دوانیده است ۰۰۰" و وی طرا "۰۰۰ نظام اقتصادی غلط رزی - گزشته (می داند) که بر محرومان کشور تحمیل شده است (و هنوز ادامه دارد) و چنانچه در جهت رفع آن چاره اندیشی نشود، به نتایج تلخ و ناگواری خواهد انجامید. توجه می شود، که "رئیس کل دادگاه های صلح"، که روزانه "صدها نفر از مستاجران خانه بدوش" بیسسه او مراجعه میکنند، نیز واقعیینی يك انسان متعهد را از خود نشان می دهد، و نگران آن است، که اگر عدالت و قسط اسلامی اجرا نشود، نتایج تلخ و ناگواری را باید انتظار کشید، ولی این نگرانی، نگرانی برای مالکان نیست! او در ادامه سخنانش، به پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می پردازد و اظهار می کند:

"امت مسلمان و متعهد ما از يك طرف با اصول قانون اساسی که خونیهای هزاران شهید راه حق و حقیقت است، روبروست، که ۰۰۰ داشتن مسکن مناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی می داند (اصل ۲) و از سوی دیگر، جمهوری اسلامی نظامی است، که هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گسری و سلطه پذیری (۲) را نفی کرده و قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگسوی همبستگی ملی را تأمین می کند (اصل ۱۰) و قسمت ج از بند ۶"

کدام خطه، خط دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی و قسط اسلامی و عدالت اجتماعی است؟ آیا در تشخیص شکی باقی است؟

ما در شماره های بعدی درباره تأمین مسکن برای زحمتکشان صحبت خواهیم کرد.



(۱) - "۰۰۰ پیغمبر يك دسته فقیر دورش جمع شده بودند، يك دسته بودند، که هیچ جانداشته، بجز صفت - اصحاب صفت - تسوی حیاطی که اسمش را صفت می گفتند. آن وقت آن قدر بی جا بودند، که اصحاب صفت، کسه اصحاب پیغمبر بودند، آنجا هم می خوابیدند ۰۰۰ این بود ۰۰۰ کسانی که دور پیغمبر بودند ۰۰۰"

(۲) - "وقتی، که شما خودتان مهیا شدید برای اینکه تحت بار ظلم بروید سبب می شود که ظالم پیدا شود. هر چه بیشتر برای ظلم خضوع کنید، ظالم بیشتر فشار می آورد. وقتی که مهیا بشویم برای جلوگیری از ظالم، ظالم عقب می نشیند، هر چه زیاد تر فشار بیاوریم، او عقب تر می نشیند. اگر شما يك قدم عقب بنشینید، او جلو می آید و اگر شما قدم جلو بروید، او عقب می رود، این است يك سنت الهی."

(امام خمینی - سخنرانی در انجمن اسلامی کارکنان خبرگزاری پارس" روزنامه جمهوری اسلامی" ۵۸/۷/۵)

امام خمینی: مردمی که نه قانون اساسی رای داده اند ملتزم اند که قانون اساسی اجرا شود

# به یاد دکتر محمد مصدق

روز ۱۴ اسفند مصادف است با درگذشت دکتر محمد مصدق، بزرگمردی که پیروز سپاسا و ناکامیهایش، زندگی و مرگش، با تاریخ معاصر ایران گره خورده است.

امروز تاریخ میتواند بقضایوت بنشیند و آنچه در دانی را نه یک ریه قرن بدر از آن کشید مورد ارزیابی قرار دهد و جنبش امروز بایستی در سنها و تجربیات جنبش دیروز را مرور کند و از آن بیاموزد.

جنبش بزرگ ملی کردن نفت به رهبری دکتر مصدق قبل از هر چیز بدلیل عدم شناخت درست از دوستان و دشمنان جنبش در سطح ملی و بین المللی با شکست روبرو شد. اما امپریالیستهایی که دکتر مصدق را سرنگون کردند و شاه خائن را برگرداند، مردم نشانند، دوستان و دشمنان خود را خوب می شناختند و با نذیه بر دوستان خود گام به گام ستونهای نیرومند جنبش را چون موربان از درون سمبست کردند و بنای پر عظمتی را، که طی دو سال بسا همت نیروی عظیمی از مردم ایران برپا شده بود، با یک تلنگر کوچک فرو ریختند.

شکست دکتر مصدق بیش از آنکه شکست رفیقان نیمه راه و دوستان دشمن خصال او باشد، شکست نیروهای مردمی و بیش از همه شکست حزب توده ایران بود. شاید پس از کودتا، مجموعه کسانی که خود را همکار و همروزم دکتر مصدق می نامیدند و هنوز می نامند،

بقدر یکی از اعضای حزب ما زندان نکشیده باشند. از اعداها سخن نمی گوئیم، زیرا در بین اطرافیان دکتر مصدق، بجز دکتر فاطمی (کسه مواضعش از همه همکاران دکتر مصدق به حزب ما نزدیتر بود) کسی را اعدام نکردند، ولسی دها و صدتا نفر از اعضا "حزب توده" ایران پس از کودتا اعدام شدند. "حزب توده" ایران تنها حزبی بود که یک لحظه در حفظ و تصحیح سنتهای انقلابی جنبش و مبارزه با امپریالیسم و مبارزه با استبداد سستی بخود راه نداد.

"حزب توده" ایران و انقلاب، ترین بخش صدقی جنبش، گام به گام به هم نزدیک شدند. در سر هر پیچ گروهی از یاران نیمه راه مصدق او را رها کردند و در عوض در هسر لحظه دشوار و قاطع حزب توده، ایران گام تازه ای به سوی مصدق برداشت. ما حکومت مصدق را لاقل سه بار از سقوط حتی نجاسات دادیم و به آنجا رسیدیم که روزهای سر نوشت ساز تیر و مرداد ۱۳۳۲، تقریباً تنها سازمان سیاسی وفادار به حکومت مصدق و ملی شسندن نفت بودیم و در ۲۸ مرداد مطلقاً تنها سازمانی بودیم که لحظاتی مصدق را تنها نگذاشتیم و همه نیروی خود را عرضه کردیم و آمادگی خود را برای دفاع از حکومت مصدق اعلام نمودیم. (رجوع شود به کتاب "تجربه ۲۸ مرداد" نوشته ف.م. جوانشیر، صفحه ۳۲۹)

از تجربه ای که میتوان از جنبش ملی کردن

نفت آموخت سخن میگوئیم، زیرا هر چند شرایط کنونی ایران و جهان با آن زمان فرق اساسی دارد لیکن در تاکتیک و سیاست طبقات مرتجع داخلی و امپریالیسم خارجی میتوان جهسات مشترکی را یافت که توجه به آنها، ما را از تکرار حوادثی که منجر به شکست جنبش ملی کردن نفت شد، باز میدارد.

جنبش ملی کردن نفت هنگامی به شکست دچار شد که دشمن موفق شده بود با تبلیغات مسموم ضد توده ای و ضد شوروی خود بخش مهمی از بخشهای بینابینی را بدام خود افکند، و از جنبش جدا سازد و بدین ترتیب نیروهای هوادار جنبش جبهه واحدی نداشتند. در حالیکه دولت های امپریالیستی توانستند با کمک نیروهای مرتجع داخلی جبهه واحدی بر ضد جنبش تشکیل دهند. آنچه به امپریالیستها در تدارک ارتش سیاسی ضد انقلابی آنها کمک میکرد قبل از هر چیز عدم شلخت صمیمیت امپریالیسم آمریکا با امپریالیسم هازتر و برتر - توسط دکتر مصدق بود. دکتر مصدق موقعی امپریالیسم آمریکا را شناخت که دیگر دیر شده بسود.

عدم قاطعیت حکومت ملی دکتر مصدق در اقدامات موثر بنفع توده های مردم عامل دیگری در تضعیف حکومت او بود. این تصور واهی که، بدون تحولات اساسی دکراتیک بسود توده های زحمتکش در داخل کشور میتوان مبارزه بسا امپریالیستها را با موفقیت از پیش برد، زمینه را برای مغزوی ساختن حکومت ملی دکتر مصدق فراهم ساخت.

"آنها ملی شدن نفت را با حفظ نفوذ ایسم و سلطنت و با استقرار بهترین مناسبات با آمریکا میخواستند و زمانی که نادرستی تصور اشتباه بر ملا شد و انقلاب با تمام قد در برابرشان ایستاد پس زدند." (تجربه ۲۸ مرداد نوشته ف.م. جوانشیر) اینک نیز امپریالیستها میکوشند عواملی از تاکتیک گذشته را برای شکست انقلاب ایران بکار گیرند. و مهمترین شیوه کار آنها هم همان شیوه "زمان دکتر مصدق یعنی خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" و "خطر حزب توده" ایران " برای جلب قشرهای بینا - بینی به جناح مخالف دولت انقلاب است.

شیوه دیگر امپریالیسم و دستیاران داخلیش همان شیوه کار شکستی در اقدامات قاطع و موثر یعنی (قانون اصلاحات ارضی و ملی کردن بازرگانی خارجی و...) است. هدف از تمام این اقدامات مغزوی کردن انقلاب و سرکوب آن و یا هوساندن آن از داخل و منح کردن آن است. امپریالیسم آمریکا در سرکوب جنبش ملی کردن نفت توفیق یافت. ما که تجربه دوران دکتر مصدق را در پیش چشم داریم، حق نداریم اشتباهات آن دوره را تکرار کنیم و بار دیگر امپریالیسم را بر کشور از بند رستنه خودمان مسلط سازیم.

در پایان میخواهیم بار دیگر شخصیت تاریخی دکتر مصدق را ستایش کنیم و بخاطر بسواری که اکنون هائیم که باید در برابر شیطان بزرگ و یاران داخلیش متحد شویم و دلیرانه بایستیم و خواهیم ایستاد.

## چرا غرامت به زاین پرداخت میشود

بوده، متأسفانه تا کنون نه تنها قدم مثبتی در این جهت برداشته نشده است بلکه بسا پرداخت چهل و سه میلیون دلار "غرامت" و با خواهش و منت فراوان، چهار سال پس از بیرون راندن مستشاران آمریکایی اکنون امپریالیستها به کمک مستشاران "کچولسوی" زاپی از پنجه باز میگرددند. سؤال این است که این "غرامت" غرامت چیست؟

انظوره خبرگزاری ج.ا.ا. از توکیو گزارش می دهد، زاین به اصطلاح توافق هیئت ایرانی با مقاطعه کاران زاپی "تنها با چهار کمپانی اصلی میباشد و انتظار میرود که بیست و چهار کمپانی کوچکتر نیز تصمیم مشابهی اتخاذ نمایند این "غرامت" ها، و سرمایه خلق زمانسی پرداخت می شود که ضمیمه کارگر انقلابی بسا هشاری کامل در نظامی از جمهوری اسلامی می طلبد که "هرچه زودتر به کمک کارگران و مهندسان ایرانی و غیرتشر دیگری که بدون قید و شرط بقیه کار ساختمان تأسیسات را به عهد بچینند، کار تکمیل مختصراً سر گرفته شود."

ما هبنا است که مسئله اتمام پروژه پتروشیمی ایران - زاین بتأخیر افتاده و با توجه بسه مسافرت های متعددی که مقامات ایرانی بسه کشور زاین داشته اند کماکان زاپی ها از ادامه پانزده درصد کار باقی مانده این پروژه سرباز می زنند.

حال بعد از مدتها خبرگزاری جمهوری اسلام اعلام می کند که:

"مذاکرات ایران و کمپانیهای زاپی به نتیجه رسیده" و در واقع در قبال پرداخت چهل و سه میلیون دلار کمپانیهای مقاطعه کار کشور زاپی عدای مستشارانهم نه برای از سرگیری کار در بندر امام خمینی، بلکه برای اقامت در ساختن نهای زیبای شمال شهر به تهران خواهند فرستاد تا "مطالعه" کنند که چگونه کار باید ادامه یابد.

با توجه به اینکه مردم ما فقط برای بیسرون کردن چهل هزار مستشار آمریکایی بیسار از شصت هزار شیپید داده اند در هر از آغاز پنجمین سال انقلاب شکوهمند کشورمان، کسه یکی از اهداف آن تأمین استقلال اقتصادی

# هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را گرامی می دارند

بقیه از صفحه ۱

غریب، رفقای جمهوری دمکراتیک خلیج افغانستان، سازمان کارگران جوان سوسیالیست آلمان (SDAY)، اتحادیه دانشجویان آلمان مارکسیست (اسپارتاکوس)، اتحادیه دانشجویان سوسیالیست (SHB)، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست آلمان و بسیاری دیگر از سازمانهای مترقی در پیامهای خود چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را تبریک گفته و نگرانی خود را از خطراتی که انقلاب ایران را تهدید می کند و بخصوص واقعه دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی و نیز جمعی دیگر از اعضا و رهبران حزب توده ایران ابراز داشتند.

در پیامی که از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور در این جشن قرائت شده، ضمن اشاره به دستاوردهای روز چهار ساله انقلاب به امید همتا و نگرانی های هواداران راستین انقلاب اشاره گردید. ( این پیام جداگانه در همین شماره به چاپ رسیده است. )

و مقالات استقبال کردند. در چند گوشه سالن محل برگزاری جشن شعارهایی از قبیل " فرخنده باد چهارمین سالگرد انقلاب شکوفا و پیروزی و ضد امپریالیستی میهن ما " و " دفاع از حزب توده ایران، دفاع از انقلاب لاد امپریالیستی و مردمی ایران است " به چشم می خورد.

میهمان برجسته این جشن رفیق دیرک گروگر نماینده حزب کمونیست آلمان بود که پیام رهبری حزب خود را قرائت کرد. وی با تأکید بر پشتیبانی حزب کمونیست آلمان از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، کمونیسم ستیزی و توده ای ستیزی را افت خطرات انقلاب دانست و همبستگی کمونیست های آلمان فدرال با سازمان فدائیان توده ایران را اعلام کرد. سخنان وی با استقبال شدیدی میهمانان جشن روبرو شد.

برای اکثر میهمانان جشن فیلم مصاحبه رفیق نورالدین کیانوری جالب ترین بخش برنامه بود. این مصاحبه با وجود اینکه در آبان ماه ۱۳۵۹

## چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در لندن

روز شنبه ۱۳ بهمن ماه جاری در یک نمایش با شکوه همسنگی چهارمین سالگرد انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در لندن برگزار گردید. این مراسم که بیش از چهارصد تن از دوستداران و مدافعان انقلاب از کشورهای مختلف در آن شرکت داشتند بوسیله هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا ترتیب داده شده بود و در آن علاوه بر برنامه های متنوع هنری دهها پیام پشتیبانی از انقلاب و همبستگی با خلقهای ایران در تالارشان جهت تداوم و تعمیق انقلاب قرائت گردید. در تمامی این پیام ها ضمن پشتیبانی از انقلاب از خط مردمی و ضد امپریالیستی در حمایت در مقابل راستگرا و مسیخ کننده دفاع



هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال در مقاله ای که در جشن خوانده شده، به مسائلی مختلف انقلاب ایران و موقعیتی که اکنون انقلاب در آن بسر می برد و خطراتی که آن را تهدید می کند اشاره کردند و با تجلیل از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران بیه رهبری امام خمینی، نگرانی خود را از واقعه دستگیری جمعی از رهبران و اعضا حزب توده ایران بیان داشتند.

شعار اصلی جشن " دفاع از حزب توده ایران، دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است " بود و در پیامها و مقالاتی که در جشن خوانده شده، پیوند تنگاتنگ دفاع از حزب توده ایران و دفاع از انقلاب مورد اشاره قرار گرفت. هر طویل جشن نیز شرکت کنندگان با راهپایا شعار " مرگ بر آمریکا " در و دستگیر کمیته مرکزی حزب توده ایران و " زنده باد همبستگی بین المللی " از پیامها

انجام گرفته بود، حاوی نکات بسیار مهمی درباره مواضع حزب توده ایران بود که اهمیت خود را همچنان پس از دو سال حفظ کرده است. از جمله هنگامی که از رفیق کیانوری پرسیده شد که آیا پشتیبانی یک حزب مارکسیستی از یک انقلاب زیر پرچم مذ هتسب امکان پذیر است، رفیق کیانوری به تشریح سیاست اصولی، علمی و انقلابی حزب توده ایران مبنی بر پشتیبانی از آماجهای استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت پژوهانه که مستلزمان مبارز فراروی خود قرار داد مانسد پرداخت و در پاسخ پرسشی درباره نقش حزب توده ایران در تحولات کشور، به تاثیر روشنگرانه و افشاگرانه فعالیت حزب توده ایران اشاره نمود و حزب را وزنهای مهم در عرصه سیاست کشور دانست.

در برنامه هنری جشن بخصوص سرودهای کژنوشین و هنرنمایی های یک گروه رقصینی توجه حضار را بخود جلب نمودند.

شده و اقدام اخیر راستگرایان در دستگیری رهبران حزب و از جمله رفیق نورالدین کیانوری را قدمی در مسخ کردن ماهیت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دانستند و خواستار آزادی و ادامه فعالیت انقلابی حزب توده ایران شدند.

در پیام مشترک برگزار کنندگان جشن، ضمن تحلیل جریانات اخیر، دستگیری رفیق کیانوری و دیگر اعضا " نمته " مرکزی حزب توده ایران بهانه غطفی در بوش همه جانبه راستگرایان به انقلاب و دستاوردهای گرانقدر آن ارزیابی شد. هدف توطئه عظیمی که امپریالیسم جهانی بسرگردی آمریکا و با کمک کشورهای مترجم منطقه و ضد انقلابیون داخلی و راستگرایان طرح ریزی شده است، براندازی انقلاب با توده قهریه می باشد، که سرکوب حزب توده ایران و سپس نیروهای مؤمن به خط امام اولین مرحله آن می باشد. بنابراین تلاش برای آزادی رفقای

بقیه در صفحه ۹

# هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق...

بقیه از صفحه ۸

رهبری حزب توده ایران و پشتیبانسی از انقلاب ایران و نیروهای خط امام از فورترین ضروریات است.

از طرف اعضا، حزب کمونیست اسرائیل، کمونیست فلسطین، یونان، بریتانیا و عراق پیام هائی به جلسه رسیده که خوانده شد. آنها همگی بازداشت رفتاری رهبری حزب را خلاف منافع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما دانسته و آنرا به نفع نیروهای راستگرا ارزیابی کردند.

ما در زیر قسمتهائی از پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی و انگلستان را ذکر می‌کنیم.

در پیامی که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی با امضا "رفیق یوسف" صادر و رئیس حزب به سازمان حزب توده ایران در بریتانیا ارسال شد از جمله می‌خوانیم:

"کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی"

جنوبی گرم ترین درودهای انقلابی خود را به مناسبت چهارمین سالگرد انقلاب مردمی ایران، انقلابی که به هر یکی از پایگاههای مغسوف امپریالیسم و ارتجاع پایان داد به حزب توده ایران در بریتانیا و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بریتانیا تقدیم می‌دارد.

در قسمت دیگر پیام بعد از بر شنیدن مشکلاتی که امپریالیسم بر سر راه تعمیق انقلاب ایجاد می‌کند می‌نویسد: "حزب توده ایران خود نیز زمان سختی را از سر می‌گذراند و ما امید داریم که انتهای که اخیرا دستگیر شده‌اند از بقیه در صفحه ۱۴

# ما این پرچم افراشته را به زمین نخواهیم گذاشت

پیامی که از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور در جشن چهارمین سالگرد انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن قرائت شد.

دوستان و رفقای عزیز، میهمانان گرامی!

چهارمین سالگرد انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما را، ما تودمائی‌ها و تمام مدافعان واقعی اهداف ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب از یک سو با خوشحالی و از سوی دیگر با نگرانی برگزار می‌کنیم.

با خوشحالی که این انقلاب ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی به عمر رژیم گذشته سلطنتی پایان داد، پیمان سننو امپریالیسم ساخته را برانداخت، ۵۰۰۰۰ مستشار نظامی آمریکائی را احراج کرد و سرمایه غارت شده در دست چپالگران سلطنتی و مزدورانشان را ملی کرد. با خوشحالی که این انقلاب به خلق ایثارگر اهرم قدرت خود راه، اتحاد زحمتکشان شهر و ده پایه و ستون قزاق آن است، نشان داد اهرمی که برای دفاع از دستاوردهای انقلاب در مقابل حملات دشمنان و ادامه و تعمیق انقلاب نقش تعیین کننده ایفا کرده و در آینده هم ایضا خواهد کرد.

با خوشحالی از آن که خلق و در درون آن تودمائی‌ها و فدائیان خلق (اکثریت)، تنوای نسبتا از خود گذشته‌های متعصب و امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و به ویژه تجاوز نظامی عراق به ایران را و همچنین دسائس ضد انقلاب خارجی و داخلی را در چهار سال گذشته به طور کلی افشا و خنثی سازد.

نگرانی ما تودمائی‌ها و دیگر مدافعان راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و همچنین احزاب کمونیستی و کارگری، سازمانها و نیروهای مرفقی و پیشسرو و صلحدوست کشورهای دیگر و جنبش‌های آزاد - بیخوش و کشورهای مستقل و ضد امپریالیست و در پیشاپیش آن اردوگاه سوسیالیستی، در آغاز سال پنجم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهن ما منوجه توطئه وسیع و خطرناکی است، که علیه

انقلاب عظیم مردم میهن ما توسط امپریالیسم و ارتجاع جهانی تدارك شده است و به دست نیروهای راستگرا و واپس‌نگر، که در ایران در انجمن حجتیه متمرکز شده‌اند، تکوین می‌یابد.

نگرانی ما تودمائی‌ها و دیگر مدافعان راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و آزاد - یخواهانه مردم میهن ما منوجه بیورش ناجوانمردانه و قانون شکنانه‌ای است، که امپریالیسم و دشمنان انقلاب به حزب توده ایران - ایسران، حزب طبقه کارگر ایران و از این طریق به کل انقلاب و دستاوردهای آن بردمانده - جز بی که طی چهل و یک سال مبارزه بی‌امان بسا امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا با استبداد سلطنتی، با کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران برای تامین استقلال کشور، آزادی و عدالت اجتماعی، هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان به دوش کشیده، جزیی که با تمام قوا و امکانات در انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ / فوریه ۱۹۷۹ / شرکت جستند و در حفظ و تعمیق دستاوردهای ضد امپریالیستی و خلقی این انقلاب نقش فعال و موثری داشته است. (از اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره بازداشت‌های اخیر، ۱۸ بهمن ۱۳۶۱، فوریه ۱۹۸۲)

نگرانی ما تودمائی‌ها و دیگر مدافعان راستین انقلاب منوجه خطر جدی‌ای است، که جان بخشی از رهبران بازداشت شده حزب توده ایران، این فرزندان فدakar خلق و مدافعان پیگیر منافع طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان ایران را مورد تهدید قرار داده است و دوستان و رفقا!

جان رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، رفیقی که تمامی عمر آگاهانه خود را در راه خدمت به خلق های ایران و دفاع از منافع طبقه کارگر ایران و صلح و دوستی بین خلق‌های جهان گذرانده است و در دوران رژیم شاه به همین خاطر به زندان افکنده شد و غیایا به "جرم جاسوسی" به اعدام محکوم شده بود، در خطر است! رفیقی که، همانطور که در اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز آمده است، از برجسته ترین طراحان و سازمان

د هندگان بیکار طبقه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه معدوم و دشمنان انقلاب ایران و از مدافعن استوار روحانیت مبارز و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی بوده و اعلام کرده است، که اگر از روی نوحش ما هم بگذرند، ما به تعهدی کنه در دفاع از اهداف ضد امپریالیستی، ضد سلطنتی، ضد سرمایه داری، ضد فئودالیسم و آزاد یخواهانه خط امام، کرد ما می‌بایند خواهیم مانده، اهدافی که خلق انقلابی با ایثار جان خود آنها را بر روی پرچم خونین انقلاب حاکم کردند است. ما این پرچم افراشته را به زمین نخواهیم گذاشت.

دوستان، رفقا!

جان فرزندان راستین طبقه کارگر قهرمان ایران از جمله رفقای که ۲۵ سال و بیشتر در زندان های شاه، همانند دو تسخیر ناپذیر مقاومت کرد لالت و اکنون با همان اتهام واهی "جاسوسی" دوباره به زندان افکنده شده‌اند، یکبار دیگر در خطر است. به این فاشقان استقلال آزادی و عدالت اجتماعی برای ایران و زحمتکش ایران اتهام ناروا و دروغین و امپریالیسم ساخته "جاسوسی و جعل اسناد" وارد می‌کنند. اتهامی که خود افشا کننده فقر اتهام زنان و بیان کننده سیاست روشن، طمی و آینده نگر حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران است.

من از این تریبون به نام تمام رفقای حزسی و به نام تمام هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران آزادی فوری و بدون قید و شرط ایستن فرزندان فدakar خلق را خواستارم و می‌طلبم که حق فعالیت قانونی سیاسی و آزادی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) محترم شمرده شود و بسته تسمیقات اعمال شده علیه حزب ما و سازمان فدائیان پایان داده شود.

(دست زدن طولانی حضار)

میهمانان گرامی، دوستان و رفقای عزیز! برای حضور وسیع شما در مراسم بزرگداشت سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم میهنان و به ویژه برای پشتیبانی شما از خواست هایمان تشکر می‌کنم.



### خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۵

## قوای سه‌گانه برای احیای حقوق زنان چه کرده‌اند؟

اما متأسفانه علیرغم این تأکیدات و تصریحات رهبر انقلاب و قانون اساسی، تا کنون قوای مجریه، مقننه و قضائیه در زمینه احقاق حقوق زنان زحمتکش و رسیدگی به حقوق آنان کار زیسادی انجام نداده‌اند.

همان عواملی که باعث شده به لویج و قوانین انقلابی نظیر اصلاحات ارضی، دولتی کردن بایز رگانی خارجی و ... در پیچ و خم ارگانهایی که راستگرایان و مخالفین تعمیق انقلاب در آن نفوذ دارند متوقف بماند، همان عواملی که از سمت‌گیری نهایی انقلاب بسود زحمتکش‌ان و مستضعفین تا بحال جلوگیری کرده‌اند، همان عوامل مانع از آنند که خواستهای بحق زنان، حقوق مسلم آنها تأمین شود.

دولت که وظیفه دار تسلیم لویج و طرح‌های انقلابی در همه زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به مجلس است تا سلطهٔ قوانین طاغوتی را بر جامعه درهم شکند، هنوز گامی اساسی در جهت الغاء قوانین طاغوتی در این زمینه (از جمله مواد زن ستیز قانون مدنی مصوب دوره رضا خان) برنداشته است. قوه مقننه نیز در این زمینه کوتاهی داشته است. مجلس شورای اسلامی، که بگفتهٔ حاجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، "خانسه مستضعفان جهان است" والیته قبل از همه باید خانه و ما من مستضعفان میهن ما باشد، در تشکیل کمیسیون ویژه بررسی سائلین زنان خانواده و نیز ابتکار در تدوین صرح‌های انقلابی در این زمینه تصور کرده است. قوه قضائیه نیز که باید حمایت قانون از زنان را تحقق بخشد، نه تنها اقدام مثبتی در این زمینه انجام نداده است، بلکه عملاً در میان قضات و مسئولین دادگستری، گرایش نیرومندی به نقض برابری حقوق زن و مرد وجود دارد. بعنوان مثال رئیس دادگاه‌های مدنی خاص، دربارهٔ حق طلاق انحصاری مرد معتقد است که:

"اصولاً طلاق دست مرد است و از ایقان غات است، یعنی میخه طلاق یک طرفه است." این گرایش در دو سه سال اخیر باعث رواج بیشتر پدیدهٔ ناپسند چند همسری است که در توجیه آن رئیس دادگاه‌های مدنی خاص می‌گوید: "خیلی از زنان، داشتن "هو" را بخشی از زندگی عادی و ناشی خود می‌دانند و کار بجایی کشیده است که خانم مریم بهروزی، نماینده مجلس شورای اسلامی، می‌گوید: "دختران در ازدواج مصونیت خانوادگی ندارند."

## نقض حقوق زنان، عرصهٔ ترک‌تاری ناراضی‌توانان

در آغاز پنجمین سال انقلاب، دست‌هایی

در کار آنند که با ایجاد دشواری‌های گوناگون در شرایط کار و زندگی زنان، این نیروی عظیم را دچار یاس و سرخوردگی سازند و آنها را به شمرات انقلاب بد بین کنند.

عناصر قشری الیبرال‌ها، افراد مشکوک و وابسته به رژیم پیشین، زیر پوشش دفاع دروغین از اسلام، تفسیقات بیشماری نسبت به زنان روا می‌دارند. علاوه بر صدر احکام ظالمانه دربارهٔ دعاوی خانوادگی، شرایط کار زنان شامل نیز ناسف‌آور و عاصی کننده است. در شرایطی که برای بازسازی میهن انقلابی و بی‌ریزی اقتصاد ملی مستقل خود، به نیروی تلاش و خلاقیت تعلم شهروندان، اعم از زن و مرد، نیاز داریم، عده‌ای سخی دارند تا زنان را به خانه‌ها بفرستند و آنان را از فعالیت در عرصه فرهنگ، آموزش، بهداشت، تولید و خدمات دور کنند.

کارفرمایان و مدیران طاغوتی کمبود مواد خدام و قطعات بدکی را بهانه قرار دادند، تا بسیاری از کارگران زن را اخراج کنند. دشمنان آگاه

حقوق گروه و پایه قائل شده و در صدد تثبیت قانونی آن است. بجای آنکه این قدم مثبت به سایر موسسات و ادارات تعمیم یابد.

دانشجویان دختر را از تحصیل در رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی، داروسازی، معدن، ذوب فلز و بسیاری دیگر از رشته‌های فنی و صنعتی به بهانه "شاق بودن" کار محروم کرده‌اند، در حالیکه فی‌المثل در رده‌های پایین رشته کشاورزی، که کار آن بسیار شاق‌تر از کار مهندس کشاورزی است، زنان به کار اشتغال دارند، و کسی هم بفکر نجات دادن زن زحمتکش گیلانی از کار طاقت‌فرسای کاشتن برنج در شا - لیزرها با پای برهنه نیست!

## و تعمیق آن دفاع می‌کنند زنان زحمتکش از انقلاب

اما علیرغم تفسیقات فراوانی که علیه زنان زحمتکش اعمال می‌شود، آنها در کنار برداران خود



همچنان استوار و مصمم در سنگر دفاع از دستاوردهای انقلاب ایستاده‌اند. با اینکه شرایط زندگی و کار زنان نه تنها بهبود نیافته، بلکه سخت‌تر نیز شده است، با اینکه بسیاری از خود است‌های زنان زحمتکش روسیایی و عشایر تحققی نیافته است و شیریه جانشان توسط بزرگ مالکان مکیده می‌شود، زنان زحمتکش ایرانی هنوز امید خود را به انقلاب و آماج‌های مردمی آن از دست نداده‌اند.

زنان زحمتکش ایرانی میدانند که برای مبارزه با امپریالیسم جهانی‌نخوار آمریکا باید سختی‌هایی را تحمل کنند. آنها میدانند که فداکاری آنها و برادرانشان برای پیروزی انقلاب بر توطئه‌های دشمنان آن لازم و ضروری است، و با وجود سختی‌هایی بسیار، از این فداکساری دریغ نمی‌کنند. آنها میدانند که بعد از آن همه ظلمها و استعمار و تحقیر و تبعیض، حالا می‌بایست آستین‌ها را برای ایجاد یک زندگی نوین و جامعه‌های انسانی بالا بزنند. تلاش زنان بقوه در صفحه ۱۱.

و دوستان ناآگاه، جمعی از زنان آموزگار و دبیر دگراندیش انقلابی را در جریان پاکسازی‌ها منضل کردند و در سایر وزارت‌خانه‌ها و موسسات دولتی، بخشی از زنان کارمند مومن به انقلاب اخراج، بازتستسته و یا باز خرید شده‌اند. زنان شاغلی که از صافتی "پاکسازی"‌ها گذشته و ظاهراً در مشاغل خود تثبیت شده‌اند، همواره در محیط کار در معرض برخورد‌های شامنت‌ها و تفسیقات قرار دارند.

تعداد مهندگودک‌ها، که بسیار ناچیز بود، ناچیز تر شده است، تا مادران کارگر و کارمندان مجبور به ترک شغل شوند. وزارت آموزش و پرورش، در شرایطی که به قول خود به ۴۷ هزار معلم نیاز دارد، این حق را برای خود قائل است، تا مادران شاغل را پس از سپری شدن مرخصی دوران زایمان، از کار اخراج کند. (البته، در این زمینه، کمیسیون خدمات، هیئت دولت، بگفتهٔ حاجت‌الاسلام از‌های وزیر بهزیستی، در این زمینه گام مثبتی برداشته و برای بانوان شاغل در کادر آموزشی، یک سال مرخصی با استفاده از

### خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۱۰

زحمتکش میهن ما در کنار مردان زحمتکش و انقلابی برای محو همه آثار غم حکومت طاغوتی از همان روز پیروزی انقلاب آغاز شد. زنان زحمتکش سنا باید در این مبارزه هم از انقلاب دفاع می کردند، هم خواهان تامین خواسته های مردم زحمتکش و غارت شده میهن می شدند و هم برای پایان دادن به محرومیت ها و تبعیض های نار و ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که گریبان آنان را به عنوان "زن" یعنی انسان درجه دوم گرفته بود، تلاش می کردند.

### زنان زحمتکش فعالانه در نبرد طبقاتی شرکت می کنند

نبرد طبقاتی حادی که در تمام عرصه های حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن مساجریان دارد، تعیین کننده سرنوشت کسب و کار انقلاب و از جمله سرنوشت زنان مبارز و زحمتکشی است که با امید ها و خواسته های بحق، در انقلاب شرکت کردند و از آن همچنان دفاع می کنند. این واقعیت را زنان زحمتکش و انقلابی میهن ما دریافته اند. زنان زحمتکش از اولین کسانی هستند که تاثیر سو ملکرد جنس باح راستگرایی مخالف تحمیل انقلاب را با پوست و گوشت خود احساس می کنند، زیرا نبرد در عرصه های اقتصادی و اجتماعی مستقیما در زندگی روزمره آنها تاثیر دارد. آن زن زحمتکشی که باید با چند رغاز خرجی خانه، خوراک و پوشاک خانواده را تامین کند، اولین کسی است که اثرات احتکار و گرانفروشی تروریستهای اقتصادی را حس می کند. زنان زحمتکش روستایی که نیروی کارشان بی رحمانه توسط بزرگ مالکین استثمار می شود بخوبی معنی "سند مالکیت، پهنه دست زارعین است" را می فهمند و می طلبند که زمین از مالک غارتگر گرفته شده و به کسی داده شود که روی آن کار می کند.

برای همین، زنان دوشادوش برادران و همسران خود در نبرد طبقاتی حادی که اکنون در میهن ما جریان دارد شرکت می کنند و در عین دفاع از انقلاب، در عرصه های مختلفه بدفاع از حقوق خود که جدا از منافس و حقوق برادران زحمتکششان نیست برخاسته اند.

### زنان کارگر و پیش نویس ضد کارگری توکلی و شرکاء

در عرصه تلاش گسترده به منظور ناراضی کردن و مایوس کردن کارگران و زحمتکشسان از انقلاب، مسئولین کارگر ستیز وزارت کار گیسوی سبقت را از همه ربود ماند. در پیش نویس قانون کار دستبخت توکلی - معتد رضایی - لاریجانی، کوچکترین توجهی به حقوق زنان کارگر نشده است. هیچ فکری به حال زنان و امنیت شخصی و بیمه های اجتماعی برای آنها نشده است. "خدیجه" کارگر حمام، درباره دردها

و مشکلات خود می گوید:

"ده سال پیش ازدواج کردم. سه سال پیش شوهرم مرا با دو بچه گذاشت و رفت. برای امرار معاش آدم کارگر حمام شدم. روزی ۳ تومان مزد می گیرم. تعطیلی هم ندارم. شب ها در حمام می خوابم. حدود ده ماه پیش شوهرم چند روزی برگشت و دوباره رفت. من آبیستم. شدم و یک ماه پیش شب، دردم شروع شنسید. چون صاحب حمام شب ها در را قفل می کنند و می رود، نتوانستم به جایی بروم و جلو چشم د و بچام که یکی نه سال و دیگری چهارساله است، بچه را که مرده بود به دنیا آوردم. خودم بند نافش را چیدم و با تمام دردی که داشتمم روز بعد رفتم بهشیت زهرا و بچه را خاک کردم. روز بعد از آن هم کارم را شروع کردم. شعا به این می گوید زندگی؟ اگر بسسه خاطر بچه هایم نبود، خودم را می کشتم و از این زندگی راحت می شدم."

"خدیجه" درباره قانون کار می گوید: "قانون کار باید برای من باشد، نه صاحب حمام."

اما همه میدانیم که قانون کار آقای توکلی، نه قانون کار "خدیجه" ها، بلکه قانون گاری برای صاحب حمام" ها است، قانونی است در خدمت سرمایه داران غارتگر، که کارگستران و بخصوص کارگران زن را، آسوده و با خیال راحت و در پناه "قانون"، استعمار کنند. سال گذشته سال جنبش وسیع اعتراض کارگر-ان علیه سیاست کارگر ستیز وزارت کار و بخصوص پیش نویس ضد کارگری وزیر و معاونین بود. در این جنبش، کارگران زن، دوش بدوش برادران نشان شرکت کردند و به تادیده گرفته شدن ایندایی - ترین حقوقشان، چون مرخصی زایمان، در پیش نویس اعتراض کردند.

از جمله زنان کارگر قالیباف ترکمن صحسرا، در نامه ای با بیش از ۱۰۰ امضا، پیش نویس را مردود دانسته و خواستار قانون کاری منطبق با بر قانون اساسی شد. در زنان کارگرداروشی "لپتی" و "مالی یل" در نامه های اعتراضی پیش نویس آقای توکلی را رد کردند. زنان کارگر پاسساو شانزه لیزه "در طومار خود خواهان حقوق برابری برای زن و مرد کارگر شده و همچنین خواهان در نظر گرفتن شرایط خاص زنان کارگر در قانون کار شدند. در مجامع کارگسری نیز زنان کارگر به پیش نویس اعتراض کردند. از جمله باید استدلالات محکم و بیاد ماندنی خانسسم عقیقی در سمینار دخانیات و سخنان زنان کارگر اصفهان نام برد.

این همه گوشه هایی است از شرکت فعالانه زنان کارگر در جنبش اعتراض علیه پیش نویس توکلی.

### زنان در سنگر تولید

پس از انقلاب زنان زحمتکش ایرانی، فد اکا - رانه و ایثار گزانه در جنبه تولید، در جنبه سازندگی و کمک به جنبه های جنگ شرکت کردند و از این طریق افزایش چشمگیر آگاهی سیاسی خود را به عرض نمایش گذاشتند.

بعنوان مثال، زنان کارگر کارخانه "وضن" اصفهان در کنار برادران کارگشان با تلاش خود ۱۰/۵ درصد پرتولید کارخانه افزود ماند. زنان کارخانه کفش "گنجه" در رودبار نیسوز نزد یک به یک ماه است که هر روز چند ساعت اضافه کار می کنند. زنان کارخانه "ری او-واگ" یک روز حقیق خود را در ماه به دولت می دهند و ...

این همه در حالی است که ضد انقلاب چه از طریق ناراضی تراشان لیبرال، خجسته ای و قشری و چه با ماسک "چپ" کوشیده، با است تضعیفات زنان زحمتکش را از یک سو دامنای افزایش دهد و از سوی دیگر آنها را به رویارویی با انقلاب و حاکمیت بکشاند. زنان زحمتکش همچون برادران خود در مقابل این تضعیفات پایداری کرده و تولید را "به کوری چشم آمریکا و تفاله هایش" (بقول زنان کارگر کارخانه "وطن" اصفهان بالا می برند.

### زنان و تشکل های کارگری

پدیده بسیار مثبتی که در میان توده های میلیونی زنان زحمتکش ایرانی در حال رشد است افزایش آگاهی سیاسی و انقلابی آنها و شرکت فعالانه تر و چشمگیر ترشان در تشکلهای توده های و صنفی است. با اینکه سالیان دراز، جامعه تبلیغ شده است که "عقل زن به این چیزها قد نمی دهد"، زنان کارگر بخصوص در یکی دو سال اخیر ثابت کرده اند که بهمان اندازه برادران کارگرشان می توانند در تشکلهای کارگری موثر باشند.

بطور مثال، در کارخانه جوراب بافی "سنگور" در انتخابات تعاونی مصرف، صندوق قنسرش - الحسنة و "هیئت نمایندگان" ۲ نفر کارگسوزن و ۱ نفر کارمند زن در بین انتخاب شدگان بودند. آنها از بد و انتخاب در کنار وظایف عمومی شان که نمایندگی از جانب کارگران است مسایل ویژه زنان را در تشکلهای پیگیری می کنند. در کارخانه "صنایع بسته بندی" نیسوز در انتخابات تعاونی مصرف یکی از زنان کارخانه علیرغم مخالفت تدهای با فعالیت او نفر چهارم شد.

زنان زحمتکش نیز چون برادران خود به عرصه دفاع متشکل از حقوق خود به ثاب عرصه ای برای دفاع از انقلاب و تحمیل آن می نگرند و شرکت در تشکلهای صنفی و سازمانهای توده های را، وظیفه انقلابی خویش می دانند.

### زنان زحمتکش روستایی و عشایر

با این که مشکلات زنان روستایی رنجیدنده و محروم میهن ما یکی دو تا نیست و آنان هم باید به امور خانه رسیدگی کنند و هم در مزرعه کار کنند، با این همه، با جان و دل وظیفه حفاظت و تقویت انقلاب و آباد سازی میهن طاغوت زده را به عهده گرفتند. حرکت فعال و گسترده زنان مبارز روستایی بقیه در صفحه ۱۵

مسئولین مملکتی به سؤال "آفتی که انقلاب اسلامی را تهدید می کند چیست و روش های مبارزه با آن کدامند" درج شده است. از جمله آقای کیومرث صابری مشاور فرهنگی رئیس جمهوری می گوید:

"خطرناک ترین دشمن انقلاب ما، امپریالیسم آمریکا است. آمریکا از این جهت "شیطان بزرگ" است که سرمنشا همه معاصیب و مفساد است. آمریکا ماهیتا دشمن همه مستضعفان و استقلال جویان و آزادی خواران عالم است. آمریکا سنگ هاری است که گروه های ضد انقلاب از پستانش شیر می نوشند. خوشبختانه ملت ما کانون خطرو آفت را شناخته است. هر جا که غفلت کنیم ضربه را از آمریکا خوردیم، مخیال اینکه آمریکا انقلاب اسلامی را به حال خود رها کرده، مخیال خام و باطلی است. حیات امپریالیسم از راه چپاول و غارت کشورهای دیگر تا همین و تضمین می شود و انقلاب اسلامی ایران شیوه قطع شریان حیاتی این انگل و تجاوز جهانی را کشف کرده است. بنابراین این مبارزه با این دشمن بزرگ باید به طور مستمر، قاطع و عطفی و بدون تعطیل ادامه یابد. شعار مرگ بر آمریکا باید در عمل پیاده شود."

آقای صابری به دنبال سخن خود در این زمینه می افزاید:

"با همه اهمیتی که خطر آمریکا برای انقلاب اسلامی دارد، آفت و خطر اصلی انقلاب اسلامی در خود ما است، خطر اصلی در اینجا است که عطرکرد خودمان به انقلاب ضربه بزنند. آقای فواد کریمی نمایندنده مجلس شورای اسلامی نیز می گوید:

"خطر و آفتی که پیش از همه چیز در انقلاب احساس می شود، خطر و آفتی است که در درون خود جریان های اسلامی انقلاب ممکن است رشد بکند، یعنی جریاناتی به نام جریان های اسلامی بوجود بیایند و نخواهند رهبری امام و خست امام را کنار بزنند و خود به نام جریان اسلامی، حاکم بر جریان اصلی اسلامی خط امام شوند." "موضوع گیری های اخیر چهره های برجسته خط امامی نشان می دهد که این حقیقت پیش از پیش رخ می نماید که مبارزه با امپریالیسم آمریکا جدا از مبارزه علیه پایگاه داخلی آن، یعنی همان بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری و مداخلین اسلام پناه و "مقدس مآب" آن نیست."

### نبرد برای

## "تحقق حکومت مستضعفان"

در ویژه نامه روزنامه اطلاعات برای پنجمین سال پیروزی انقلاب اسلامی "جمعی از شخصیت های جمهوری اسلامی ایران، نقطه نظرات خود را درباره چگونگی "تحقق حکومت مستضعفان" بیان کرده اند. آقای فواد کریمی در این باره می گوید:

"در رابطه با محرومین و مستضعفین از اول انقلاب تا حالا ما شعار به نفع مستضعفین زیاد داده ایم، اما نسبت عطفان با شمارمان نمی خورد. باید برای رسیدگی به وضع محرومین بقیه در صفحه ۱۳

یک جبهه، واحد کشورهای در حال رشد که علیه منافع آمریکا موضع دارند، جلوگیری کرد. بدین منظور باید این کشورها را طرد کرد، تجسس فشار قرار داد و بر علیه هم برانگیخت. این تلاش های آمریکا دقیقاً متوجه جلوگیری از برداشتن کفتران به مسئله اصلی آن، یعنی محکوم کردن سیاست جنگ افروزان آمریکا در منطقه خاور میانه و نزد یک است."

واقعیت این است که آمریکا با ایجاد سپاه "واکنش سریع" و ایجاد مرکز فرماندهی آن در جزیره "دیه کوگارسیا"، سرازیر کردن سیل اسلحه هم به اسرائیل صهیونیستی و هم به کشورهای مرتجع عربی، تدارک نقشه های تجاوزکارانه علیه لیبی، سوریه، ایران و افغانستان جو منطقه را متشنج کرده است. کشورهای مترقی منطقه می توانند و باید با تحکیم وحدت صفوف خود به مقابله این تلاش های تجاوزکارانه برخیزند. ایران انقلابی، افغانستان انقلابی، هند، سوریه، لیبی، الجزایر، یمن دمکراتیک با تفاق سایر کشورهای ضد امپریالیست جنبش عدم تعهد باید از پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی در زمینه صلح و خلع سلاح حمایت نمایند.

از پیشنهاد غیر نظامی کردن منطقه اقیانوس هند پشتیبانی کنند.

توطئه های نظامی امپریالیسم آمریکا را قاطعانه محکوم کنند.

از مبارزه "خلق فلسطین برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی پشتیبانی و سیاست کشورگشایانه اسرائیل صهیونیست را محکوم سازند."

جنگ اعلام نشده امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی و رژیم های مرتجع علیه دولت افغانستان را محکوم کنند.

جواهر لعل نهرو از همان بدو تاسیس جنبش عدم تعهد، بر این نکته تاکید می کرد که عدم تعهد به معنای "خشنی بودن" و "بی طرف بودن" در مبارزه در زمان ساز علیسنه امپریالیسم نیست، بلکه وسیله ای است برای دنبال کردن اهداف ملی و ترقی خواهانه. جادارد این نکته با نهای که می خواهند جنبش عدم تعهد را جنبشی علیه "دو ابر قدرت" قلمداد کنند گوشزد گردد.

جنبش عدم تعهد نقش مهمی در سیاست جهانی ایفا می کند، و اگر کسانی نخواهند نوعی سیاست "موازنه منفی" و یا "مبارزه علیه دو ابر قدرت" را به این جنبش تحمیل کنند، عملاً در راه تضعیف جنبش کام برمی دارند و به جبهه جهانی ضد امپریالیستی ضربه وارد می آورند.

## مبارزه با پایگاه های داخلی

### امپریالیسم آمریکا

روزنامه اطلاعات به مناسبت سالگرد انقلاب ویژه نامه انتشار داده است که در آن پاسخ

## اجلاس سران غیر متعهد ها

هفتمین اجلاس سران کشورهای غیر متعهد در دلهلی گشایش یافت. جنبش غیر متعهد ها که در برگیرنده اکثریت جمعیت جهان است، امروزه در عرصه سیاست جهانی نقش عمده ای ایفا می کند. این جنبش از کشورهای از بند رسته تشکیل شده است که در مورد ضرورت رهایی از بقایای شوم سلطه استعماری اشتراک منافع دارند. جواهر لعل نهرو، یکی از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد، در همان اوان تشکیل این جنبش، مبارزه با خاطر ترقی اجتماعی و صلح را مهمترین وظایف این جنبش دانست، چرا که حفظ صلح جهانی و خپاموش کردن کانون های تشنج در گوشه و کنار جهان، مهمترین پیش شرط تأمین ترقی ملی برای کشورهای در حال رشد است."

اجلاس سران جنبش عدم تعهد در شرایطی برگزار می گردد، که تأمین این هدف اساسی جنبش، یعنی حفظ صلح جهانی، با مقاومت محافل جنگ افروز حاکم در واشنگتن روبرو گشته است. امپریالیسم آمریکا که تمام نیروی خود را وقف بدست آوردن مواضع از دست رفتن در "جهان سوم" از طریق بازگرداندن جهان به دوره جنگ سرد و دامن زدن به آتش کانون های تشنج در آمریکای مرکزی، آفریقا، خاور میانه و آسیای جنوب شرقی کرده است، به هیچ روی دواطلبانه از جنگ افروزی، تشدید مسابقه تبلیغاتی و اعمال فشار بر کشورهای غیر متعهد دست بر نخواهد داشت. از این رو موضع گیری قاطع کشورهای غیر متعهد و اتحاد آنان در مقابل نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در حل حاضر اهمیت خاصی کسب کرده است."

کنفرانس دلهلی باید قاطعانه تحریمات تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا علیه نیکاراگوئه انقلابی، کمک های میلیاردی نظامی به رژیم های خون آشام دست نشانده در السالوادور، گواتمالا و حمایت آمریکا و متحدینش از تروا در پرستان آفریقای جنوبی و اسرائیل و افزایش حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند را محکوم کند. کنفرانس باید با حمایت از بیانیه سیاسی پیمان ورشو جبهه صلح جهانی را تقویت کند. کنفرانس باید قاطعانه به نفع پیشنهاد های خلع سلاح اتحاد شوروی موضع بگیرد و مسئله غیر نظامی کردن اقیانوس هند را بررسی کند.

کشورهای شرکت کننده در اجلاس باید در مقابل کوشش های نفاق افکنانه آمریکا مقاومت کنند. چین کرک پاتریک نمایندنده آمریکا در سازمان ملل متحد، در نامه ای محرمانه به همه نمایندگان دیپلماتیک آمریکا می نویسد: "پرزیدنت ریگان توصیه کرده است که "سیا" بخصوص در جهان سوم عملیاتی انجام دهد. باید اختلافات در بین جهان سوم را عمیقتر کرد و از تشکیل

# در هفته‌ای که گذشته

بقیه از صفحه ۱۲

یک تغییرات اساسی در ساخت اجتماع‌سی و اقتصادی کشور بشود ۰۰۰ گرچه مجلس شورای اسلامی علاقه زیادی دارد که به مستضعفین و محرومین کمک بکند، هر طرح و لایحه‌ای که بنفع مستضعفین و محرومین به مجلس پیاید تصویب می‌شود، اما کم است، باید در مجلس در جهت رفع محرومیت محرومان بیشتر قانون تصویب بشود. دولت هم بیشتر کار بکند.

وی درباره گسترش نظام شورایی می‌گوید:

"قانون شوراها را مجلس شورای اسلامی مدتی است که تصویب کرده، شورای نگهبان هم تایید کرده و باید هرچه زودتر وزارت کشور (آنها) اجرا کند. ولی متأسفانه وزارت کشور مثل اینکه می‌خواهد همان بلایی را که بر سر قانین شوراها آورد، بر سر قانین شوراها بیاورد. قانون احزاب که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، تا حالا که اجرا نشده است. مثل اینکه وزارت کشور می‌خواهد قانون شوراها را هم اجرا نکند و بمردم و مستضعفین اجازه ندهد که مستقیماً بیایند وارد فعالیتهای سیاسی بشوند و حاکمیت خودشان را که در دست خودشان است، اعمال کنند."

براستی چه کسانی می‌خواهند به مردم و مستضعفین اجازه ندهند که حاکمیت خودشان را اعمال بکنند؟ چه کسانی می‌خواهند لبه تیز حمله را متوجه مسئولینی سازند که در جهت تحقق حاکمیت مستضعفین "گام بر می‌دارند؟"

## حمله به مسئولین خط امامی

درباره پیام امام و نحوه اجرای آن، آقای موحدی ساوجب نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

"متأسفانه جو غالب در اجرا پیام امام به سراغ افراد و مسئولان و نیروهای خالص و فدائوکار در راه اسلام و انقلاب رفته و حزب اللهی‌ها تضعیف و حذف می‌شوند و نیروهای کم‌کسار و کار شکن و لیبرال و عناصر ناخالص رشید می‌کنند. عنقریب بیم آن می‌رود که افراد انقلابی بدست عوامل ضد انقلاب و محافظه کار فرصت طلب محاکمه شوند."

این اظهارات هشدار دهنده، درستی پیش بینی حزب توده، ایران را که حمله به صفوف پیروان سو سیالیم علی را آغاز حمله به صفوف همه نیروهای انقلابی، از جمله مسلمانان مبارز دانست، ثابت می‌کند. در روزهای گذشته، پدیده‌های نگران کننده‌ای از کنار زدن مسئولان شجاع و خط امامی دیده شد. از جمله حجت الاسلام برهانی، مجاون داد سرای ویژه امور صنفی تهران، از کار برکنار شد. وی در مراسم خداحافظی با پرسنل داد سرای گفت: "این مسئله را مسئولین جمهوری اسلامی بداند، نگذارند. قطب زاده‌ها و بازرگان‌ها خیار نیت کنند و بعد بیایند اعلام کنند که اینها"

خیانت کرد مانند

حجت الاسلام برهانی پس از برشمردن پاور ای موارد تخلف مسئولین وزارت بازرگانی، به همکاران خود توصیه کرد:

"دلگرم باشید و به کارتان ادامه دهید و قاطعانه در مقابل ضد انقلاب و ضد انقلاب آفرین که همان تروریستهای اقتصادی هستند، بایستید. امروز مسئولیت خیلی سنگین است. این نکته را هم بگویم، من نه تنها از تهدید نمی‌ترسم، بلکه تهدید هم می‌کنم که آنها به خشم خلصق و امت گرفتار می‌شوند. من حرفهایم را صریح می‌زنم. برای مرگ مسئله‌ای نیست. اگر اتهام جدیدی برای اینجانب پیدا کردند، حاضر م محاکمه علنی بشوم و در آن محاکمه علنی، ثابت می‌کنم که متخلفین درجه یک چه کسانی هستند و در گوشه و کنار از متخلفین اقلام درشت نیز حمایت می‌شود بشرط اینکه در محاکمه هیچگونه سانسوری نباشد و اگر اتهامی داشتیم تا بحال میبایست به این حقیر اعلام می‌کردند."

پس از سخنان، حجت الاسلام برهانی، قطعنامه کارکنان داد سرای انقلاب امور صنفی قرائت شد که در آن ضمن قدردانی از زحمات آقای برهانی، آمده است:

"اما از کنار گذاشتن برادر برهانی دلرد نشده و مبارزه با تروریستهای اقتصادی را قاطعانه ادامه می‌دهیم."

گام از مسئولین امور می‌خواهیم افرادی را بجای ایشان بگذارند که سازشکار نبوده و حمایت از محرومین و مبارزه با سرمایه‌دارانی که به خون شهدا خیانت می‌کنند را ادامه دهند."

این عکس العمل کارکنان داد سرای امور صنفی نشان می‌دهد که نبرد علیه سرمایه‌داران ادامه دارد و نه تنها تخفیف نیافته، بلکه تشدید نیز شده است.

از جمله آقای فواد کریمی درباره تخلفات مسئولین وزارت بازرگانی که آقای برهانی "قصر بانی" شهادت و قاطعیتش در مقابله با آن شد، می‌گوید:

"بازار آزاد و مکانیزم بازار آزاد توهم را به چندین برابر بالا برده است. در مقابل، وزارت بازرگانی بجای اینکه فکری و برنامه‌ریزی کند که توهم را کنترل بکند، می‌آید شعار می‌دهد که: بیایند بگذارند بازار آزاد باشد! بگذارید همه چیز آزاد باشد! خوب موقعی که همه چیز آزاد باشد، یعنی اینکه آن کسی که کالا در اختیارش هست و می‌خواهد از این کالا سود ببرند نفع ببرد، در سود بردن خودش آزاد باشد."

## حراست از قانون اساسی

آقای فواد کریمی ادامه می‌دهد:

"اساساً قانون اساسی دستاورد انقلاب و ثمره خون شهیدان و میثاق اجتماعی جمهوری اسلامی است، جمهوری اسلامی براساس این قانون اساسی برپا شده و این قانون اساسی با آرا مردم به تایید امام رسیده و امام هم فرمودند: چیز خلاف شرع در این قانون اساسی، من نمی‌بینم. ممکن است یک مجری در بعضی موارد قانون اساسی را قبول نداشته باشد، یا بیش از بایش اساسی را قبول نداشته باشد، اما او کارمند قانون اساسی تفاوت داشته باشد، اما او کارمند"

دولت و ملت است. او بایستی قانون را اجرا کند نه خواست شخصی خودش را، اما تعارضها بیشتر روی مسایل اقتصادی است. خصوصاً در چند وزارتخانه، یکی وزارت کار، یکی وزارت بازرگانی و همچنین در بعضی دستگاههای اجرائی دیگر، مسئولین دیدگاهی خلاف دیدگاه قانون اساسی دارند و می‌خواهند دید خودشان را بطور غیرقانونی عمل بکنند.

در این مورد شهید بهشتی گفته است: "همه کسانی که به قانون اساسی رای داده‌اند باید ملتزم باشند که این قانون اساسی را به عنوان مبنای هرگونه حرکت و وحدت بشناسند و مورد احترام و عمل قرار دهند. مردم عزیز ایران کمترین بی‌اعتنایی به قانون اساسی خود را تحمل نکنند. در جامعه‌ای که به قانون اساسی بی‌اعتنایی شده، این خطر وجود دارد که مجدداً استبدادها و دیکتاتورهای در شکل‌های جدید و با ظاهرهای زیبای فریبنده و در افق ایران آزاد شده رخ بنمایند و آزادی، استقلال و مردمی بودن این نظام را به خطر افکنند. نسبت به حفظ قانون اساسی از هرگونه تخلف و تجاوز، حساس باشید."

جای آن دارد که مسئولین جمهوری اسلامی ایران، "بی‌اعتنایی" ها به قانون اساسی را که خطری جدی برای انقلاب ما است نادیده نینگارند، بخصوص در این روزها که یورش ناچوس نمرده به صفوف حزب توده، ایران نگرانی برحق همه هواداران راستین انقلاب را بیزر انگیزته است.

## سینار بررسی قانون کار

صبح روز سه شنبه دهم اسفند ماه سومین سمینار انجمن‌ها و شوراهاى اسلامی کارگران در ارتباط با قانون کار آغاز شد. رئیس جمهوری در پیامی به این سمینار ضمن تجلیل از سهم بزرگ کارگران در انقلاب و ارج و قربتی کسبه کارگران باید در نظام جمهوری اسلامی ایران از آن برخوردار باشند، گفت:

"برادران و خواهران کارگر در طول سالهای گذشته از محرومیت‌های زیادی رنج می‌بردند این محرومیتها بایستی برطرف شود و دولت جمهوری اسلامی ایران که طرفدار مستضعفان و در خط محرومان و ستمدیدگان هست بایستی با برنامه ریزی و بند ریج به طرف رفع همه این محرومیتها قدم بردارد و قانسون کار بایستی تضمین‌های لازم را برای دوران بازنشستگی و برای دوران نقص عضو و شرایط نقص عضو و امثال آن داشته باشد و دارا باشد."

آقای مهندس موسوی نخست وزیر نیز درباره قانون کار گفته است:

"برادرانی که مسئول تنظیم قانون کار هستند، باید از سطح جامعه تاثیر بگیرند و بر اساس بحث‌های مطرح شده در جامعه، قانون تازه‌ای را تدوین کنند."

بنابراین مبارزات خستگی ناپذیر کارگران اول لاین شهر خود را ببار آورد. مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران اینک از تدوین قانونی تازه سخن می‌گویند که به خواسته‌های کارگران پاسخ مثبت دهد و از سطح جامعه تاثیر بگیرد."

# دلارهای پشت نشیسه در سه راه منوچهری

به بازار سیاه قاچاق ارز، اکنون يك بازار خاکستری نیز اضافه شد.

آقای دکتر محسن نوربخش، رئیس کل بانک مرکزی ایران در روزنامه کیهان ۲۱ بهمن ۱۳۶۱، در آستان چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب کوع نشینان علیه کاخ نشینان اعلام کرد: "بر اساس مقررات ارزی که بتصویب مراجع قانونی رسیده است ورود ارز به هر میزان آزاد اعلام میشود و افراد (تکیه از ما) میتوانند هر مقدار (تکیه از ما) ارز وارد کشور کنند.

این "افراد" باید فقط مقدار ارز خود را در موقع ورود به ایران در گزنامه ثبت کنند، اما حق دارند، این ارز را به "افراد" دیگری که قصد خروج از کشور را دارند واگذار کنند تا کنون وضع انطور بود، که ارز ثبت شده در گزنامه به منظور جلوگیری از خرید و فروش ارز در بازار سیاه انجام می شد، ولی اکنون که عملاً فروش دلارها در صرافی های خیابان فردوسی آزاد شده است، دیگر ثبت مقدار ارز در گزنامه و یا در "فرم های" که تهیه خواهد شد (آقسلی

نوربخش) چه مفهومی دارد؟

مفهوم این اقدام را باید در جوار و در ارتباط با تصمیم های دیگر درك کرد، که این روزها بتصویب مراجع قانونی رسیده است:

- بازگشت فراریان، بدون ترس از تعقیب، چه در مورد قتل، شکنجه و همکاری با این اعمال جنایتکارانه.
- اجازه خروج آزاد از کشور، که به نفع ارتباطات ضد انقلاب به کار گرفته خواهد شد و فقط انتشار متوسط به بالا، که امکان سفر به خارج از کشور را دارند، از آن استفاده خواهند کرد.
- اجازه ورود کالا به نام "کارگران ایرانی شاغل در حوزه خلیج فارس" که وسیله جدیدی در دست دلان خواهد شد، برای لغو عملی اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد بازگشت خارجی دولتی.
- سپردن خانه سازی به دست "سرمایه های مردم"، که عملاً راه سود روزی از نیاز خلق به سرپناه را دوباره می گشاید. حتی که تا همین آن در اصل سی و یکم قانون اساسی به عهده دولت سپرده شده است، و تا همین آن فقط از

طریق سرمایه گذاری وسیع دولتی ممکن است. اصل سی و یکم قانون اساسی: "داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است... زمینه اجرای این اصل را فراهم کند."

سوالی که اکنون مطرح است، آن است، که چه کسانی که از خارج به ایران باز می گردند یا خود ارز اضافی دارند و می توانند داشته یا - شند، که در بازار خاکستری بفروش برسانند: يك گروه آن ایرانیانی هستند که در خارج شغلی دارند و حقوق بگیرند. همانند "کارگران شغل در کشورهای حوزه خلیج فارس" و یا در کشورهای اروپایی.

کیست که نداند، "حقوق" این شاغلین، حتی پر درآمدترین آنها، مانند پزشکان، هیچگاه آنقدر بیشتر از مخارج زندگی ماهانه آنها نخواهد بود، که بتوانند با آن نیاز بازار خاکستری "ارز را تامین کنند". واقعیت آن است، که تنها گروه خائنینی که قبل از انقلاب باقیمت دلار ۷۰ ریال و مارک ۳۶ ریال میلیارد ها دلار و مارک ارز کشور را خارج کردند و آن دلانی که با ثقل در فرم های خرید اجناس وارداتی و اعلام قیمت دروفین و بیشتر از قیمت بقیه در صفحه ۱۴

## خجسته باد روز هشتم مارس روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان!

بقیه از صفحه ۱۱

## درجه رهایی زنان معیار درجه اصالت انقلاب است

اینك در آغاز پنجمین سال انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و مردمی ایران که با شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به پیروزی رسید هستیم. این انقلاب رهایی محرومین از ظلم و ستم غارتگران و برقراری عدالت اجتماعی را هدف خویش قرار داده و رسیدن به این اهداف، بدون احقاق حقوق زنان، که نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند، امکان پذیر نیست.

زنان زحمتکش ایرانی که سهم بزرگی در پیروزی رساندن انقلاب و مبارزه برای دفاع از دستاوردهای آن دارند، به حق انتظار دارند که به تعصیقات و اعمال فشارها علیه زنان پایان داده شود، برابری حقوق زن و مرد چسبیده قانونگذاری، چه در اجرا و چه در قضاوت رعایت گردد و آنچنانکه قانون اساسی معین کرده است شرایط شرکت هرچه فعالتر و وسیع تر زنان در حیات اجتماعی و سیاسی کشور فراهم گردد.

در آستانه هشتم مارس، روز پیوند انقلابی زنان سراسر جهان، باید بار دیگر بر این نکته تاکید کرد که سیاست زن ستیزانه ای که برخی محافظه کاران تلاششان متوجه تقویت آن است، در شان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست. نیروهای مترقی و آزاد بخواه جهان و پیش از همه مستضعفین و محرومین جامعه خود ما، درجه اصالت انقلاب را با درجه رهایی زنان از قید ظلم و ستمی که بر آنها اعمال می گردد می سنجند. دولت جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی و مسئولین قوه قضائیه باید پیش از پیش به این مهم توجه کنند و از

و عشایر در انتخابات، جایگزین کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران به جای رژیم منحوس سلطنتی، رای به قانون اساسی و انتخابات نمایندگان برای مجلس شورای اسلامی و دیگر انتخابات، کمک به تولید بیشتر و فرستادن ارزاق و البسه به جیب های جنگ، تشکیل "کمیته های پشت جیبه" در بسیاری از روستاها توسط زنان برای تهیه لباس و خوراکی، پختن نان، جمع آوری بیل و دارو و... همه و همه نشانگر تلاش گسترده زنان زحمتکش روستایی در دفاع از انقلاب است.

در عین حال زنان روستایی از مبارزه برای تامین حقوق غارت شده زحمتکشان میهن فاقل نیستند. هر جا که مبارزه با بزرگ مالکان و عمال آنان جریان دارد، زنان زحمتکش روستایی در کنار شوهران، پدران، پسران و برادرهای خود محکم ایستاد هاند، طومار را امضا میکنند، راه پیمایی می کنند و اگر لازم شود، زمین را شخم می زنند، می کارند و بر می دارند. هر جا که مردم برای برکناری عناصر طغفونی از شوها و تعاونیهایی روستایی تلاش می کنند، زنان نیز حاضرند. هر جا که دهقانان خواهان تامین نیازمندیهای عمرانی و رفاهی و بهداشتی و آموزشی اند، زنان نیز آنچه در توان دارند، انجام می دهند.

زنان زحمتکش روستایی و عشایر می دانند که مبارزه بخاطر دفاع از انقلاب از مبارزه بخاطر احقاق زحمتکشان، و از جمله زنان زحمتکش، جدا نیست.

یاد نبرند که ناراضی کردن اقشار مختلف جامعه از جمله زنان، بخشی تفکیک ناپذیر از توطئه گسترده دشمنان انقلاب بسرکردگی آمریکای جهان خوار است که با کمک عوامل نفوذی، را - سنگرایان و قشرین با تمام شدت جریان دارد. توجه خاص به این توطئه عظیم بخصوص زمانی اهمیت خود را آشکار می سازد که هجوم اخیر راستگرایان به مواضع پیروان راستین خط امام در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را در نظر آوریم. این هجوم که از چند ماه پیش تدارک دیده شد و با دستگیری اعضا و رهبران حزب توده ایران به مرحله حساس خود رسید، در پیوند تنگاتنگ با توطئه های دشمنان انقلاب بسرکردگی آمریکا خطر عظیمی را متوجه انقلاب می سازد، خطری که بیش از هر چیز پیوند حاکمیت جمهوری اسلامی با پایگاه توده های آن را تهدید می کند، چرا که ناراضی تراشی بسا افزایش تاثیرات عملکرد راستگرایان تشدید شده و در نهایت "پشت جیبه" نیروهای خط امام را که همانا توده های مردمند خالی می کند.

در مقابل، همه علاقمندان و دوستداران انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، با همه نگرانی بحقی که تعصیقات و فشارها علیه زنان در میهن ما بر می انگیزند، باین حقیقت گرهی توجه دارند، که هیچ مسئله ای، از جمله معضله رهای زنان از قید و بند ستم و استثمار مضاعف، جدا از کل روند مبارزه طبقاتی در میهن انقلابی ما، و در شرایط کنونی بخصوص مبارزه و خط، یکی مدافع زحمتکشان و دیگری مدافع غارتگران، قابل بررسی نیست و هرگونه بهبودی در وضع زندگی زنان تنها از طریق پیش بردن مبارزه در تمام مرصه های نبرد طبقاتی میسر است.



# کارل مارکس و مسائل ساختمان سوسیالیسم

یوری آندریف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مقالهای که در شماره اخیر مجله "کمونیست" منتشر شده است آموزش کارل مارکس و بعضی مسائل ساختمان سوسیالیسم را در رابطه با صدمین سالگرد مرگ و ۶۵ امین سالگرد تولدش مورد بررسی قرار داده است. وی در مقاله خود اظهار داشته است که، زمان هرچه میگذرد مفهوم و عظمت زندگی قهرمانانه مارکس روشنتر میگردد. مارکس هم یک دانشمند بزرگ و هم یک انقلابی فعال بود که رزمش را انگلیس و لنین ادامه دادند.

یوری آندریف بر پایه فاکت ها و قانونهای سیاسی ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی، تجارب تاریخی سوسیالیسم واقعا موجود را مورد بررسی قرار میدهد. وی مسائل تحقیقی علمی اصل مالکیت

اجتماعی بر مسائل تولید، کار برای افزایش بازدهی تولید و اقتصاد در مجموع و همچنین گسترش و تعمیق دیکراسی سوسیالیستی و تکامل سیستم توزیع در سوسیالیسم را مورد تحلیل عمیق قرار میدهد. وی خاطر نشان میسازد که جهت اصلی سیاست اقتصاد ی حزب کمونیست اتحاد شوروی متوجه تامین رفاه هر چه بیشتر زحمتکشان و ایجاد شرایط مادی برای شکوفائی زندگی معنوی و فرهنگی و فعالیت اجتماعی آنانست. در این مقاله تاکید شده است که حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تکامل هر چه بیشتر تئوری مارکسیسم-لنینیسم اهمیت بسزایی قائل است. تجارب گوناگون کشورهای همراهِ سوسیالیستی مادی فراوانی برای کار تئوریک در این سمت به دست میدهد.

## خطر افزایش میابد

"نیروهای مداخله سریع" آمریکا که از آغاز سال جاری مسیحی تحت فرماندهی مرکزی "قرار گرفت" تقویت خواهند شد. تعداد سربازان این نیروها قرار است دو برابر شده و تا ۴۰ هزار نفر را در بر گیرد. طبق گزارش کیسیون بودجه کنگره آمریکا در سال جاری مسیحی ۵۲ میلیارد دلار برای افزایش قدرت رزمی این نیروها در نظر گرفته شده است. بنیادین گزارش، این نیروها قادرند در عرض ۱۲ روز با تمام نیروی منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک منتقل شده و دست به عملیات زنند. آمریکا در نظر دارد با اقدامات دیگری این مدت را به چند روز کاهش دهد.

با افزایش خطر "نیروهای مداخله سریع" برای استقلال کشورهای منطقه، جنبش اعتراضی عظیمی در سریلانکا برآه افتاده است. در اکثر شهرهای این کشور تظاهرات مختلفی علیه حضور این نیروها در اقیانوس هند و استقرار ستاد "فرمانده مرکزی" در جزیره دیگو گارسیا برگزار شد.

شخصیت های اجتماعی برجسته این کشور خواستار انحلال مرکز و این نیروها و تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح شدند. در دیگر کشورهای این منطقه نیز جنبش اعتراضی در حال گسترش است.

## پیشنهادات تازه اتحاد شوروی

کشورهای سوسیالیستی پیشنهادات تازه ای برای بیرون رفتن از بینیمت مذاکرات وین ارائه کردند. کشورهای سوسیالیستی پیشنهاد کردند که موافقتنامه ای مبنی بر کاهش نیروهای مسلح ناتو و پیمان ورشو مستقر در اروپای مرکزی و رساندن تعداد هر کدام به مرز ۹۰۰ هزار نفر تدوین شود. کشورهای سوسیالیستی همچنین پیشنهاد میکنند که برای شروع بهتر است آمریکا و اتحاد شوروی نیروهای مستقر خود در اروپای مرکزی را کاهش دهند. اتحاد شوروی همچنین آمادگی خود را برای خارج ساختن ۲۰ هزار سرباز دیگر علاوه بر همین تعداد سربازی که در سال پیش بطور یکجانبه از خاک آلمان دیکراتیک خارج ساخته بود، از اروپای مرکزی اعلام کرد. بشرطی که آمریکا حاضر باشد سیزده هزار تن از سربازان مستقر در این منطقه را همراه با تجهیزاتشان بیرون برد.

## ملاقات سوران

سران کشورهای ویتنام و لائوس و کامپوچیا در وین تیان و پایتخت لائوس میآیند. ملاقات کردند و پیرامون مسائل منطقه، جهان و روابط میان خود به مشاوره پرداختند.

## سوسیالیسم در لهستان پیروز خواهد شد

آن در هم شکست خورد و طرحهای آنان علیه دولت سوسیالیستی لهستان افشا شده و زحمتکشان اهداف واقعی آنان و زبانهای وارده را بخوبی تشخیص دادند. اما دشمن همچنان در حال فعالیت است. وی گفت که در لهستان مبارزه بر سر آگاهی اجتماعی در جریان است. دشمنان سوسیالیسم تلاش میورزند معضلات اقتصاد ی کشور را مورد سوء استفاده قرار داده و جوعد با اعتماد به حزب و حکومت مردمی ایجاد کرده و مردم را به مقاومت علیه اقدامات دولت بکشاند. آنها میگویند حسن نا ایدی و ضعف را در همه سطوح جامعه بر انگیزند تا از این راه روند تثبیت و عادی سازی اوضاع را مختل سازند.

وی پس از تشریح وظایف حزب در رابطه با کار سندیکائی و چند جنبه از سیاست خارجی کشور اظهار داشت که لهستان برای اولین بار در تاریخ خود از ضمانت کامل سیاسی - نظامی برخوردار است. ارتش نیرومند لهستان همراه همیمان قدرتمند خود اتحاد شوروی مرزها را حفاظت میکند. اتحاد شوروی همراه دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو تمامیت ارضی جامعه کشورهای سوسیالیستی را حفظ میکند. این حقیقت باید همواره در خاطر ما جای داشته باشد. لهستان برای اینکه لهستان باقی بماند باید نظام سوسیالیستی در آن حاکم باشد.

تلاشهای حزب متحد کارگری لهستان و دولت این کشور برای تثبیت و ادامه روند عادی سازی وضع عمومی کشور همچنان ادامه دارد. حزب متحد کارگری لهستان در هفتههای اخیر جلسات متعددی در استانهای مختلف کشور برگزار کرد و اوضاع را مورد بررسی قرار داد تا از ایمن طریق شرکت تمام سطوح حزبی در کار سخت و دشوار مبارزه علیه تحریکات داخلی و خارجی و رفع بحران موجود در کشور را تامین کند.

ژنرال یاروزلنسکی دبیر اول حزب و رئیس دولت لهستان نیز در اغلب این جلسات از جمله در ایالت کاتوویتسه شرکت و سخنرانی کرد.

وی در جلسه فعالین حزبی این ایالت سخنرانی بسطی حول مسائل جاری کشور و وظایف حزب ایراد کرد. وی خاطر نشان ساخت که حزب توانسته است قدرت خود را باز یابد و اعضای را فعالتر ساخته نقش خود را بعنوان نیروی محرکه احیا و تثبیت حکومت و ارزشهای سوسیالیستی جامعه باز یابد. وی گفت که حزب هر روز بیشتر به نقش و مسئولیت تاریخی خود برای خدمت به خلق آگاهی مییابد. وی افزود که حزب بر آنست که مطابق با مصوبات کنگره نهم خود، وضع کشور را تثبیت کند. آنها در شرایطی که خطر دشمن را نباید کوچک شمرد. حزب درگیر مبارز سختی با دشمن سیاسی است. اگرچه نیروهای اصلی

این سه کشور در قطعنامه ای که در پایان این سران این سه کشور مذاکرات دو روزه منتشر کردند، خواست خود را برای همکاری هر چه بیشتر با دیگر کشورهای سوسیالیستی و جنبش غیر متعهد ها و دیگر نیروهای مترقی جهان برای حفظ صلح و خلع سلاح و تنفی زدائی مورد تاکید قرار دادند. آنها در قطعنامه خود تصریح کردند که مصممند به همکاری خود با جنبش کشورهای غیر متعهد برای مبارزه علیه امپریالیسم، استعمار و استعمار نو، نژادپرستی و سیاست تبعیض نژاد و صهیونیسم و همچنین ایجاد نظام اقتصادی نوین بین المللی ادامه دهند.

RAHE TUDEH

No. 31

Friday, 4 Mar. 83



Winfried Schwarz  
Address: Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
France 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 2 Skr.

# متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون" (Révolution) با رفیق نورالدین کیانوری

• Nous vivons le temps des révolutions. •

مصاحبه‌ای را که در ذیل می‌خوانید مجله "رولوسیون" ارگان سیاسی - شعری حزب کمونیست فرانسه چند روز پیش از دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران یا وی انجام داده است.

**س:** از انقلاب ایران که موفقیتی عظیم در جنبش جهانی ضد امپریالیستی بشمار می‌آید، چهار سال می‌گذرد. لطفاً بیان دگرگونی‌هایی را که این انقلاب در زمینه داخلی و در زمینه سیاست بین‌المللی به همراه آورده است را برای ما شرح دهید؟

**ج:** بدون تردید انقلاب ایران را میتوان مهمترین رویداد جهانی در سالهای آخر دهه هفتاد شمرد. اکنون، در آستانه پایان چهارمین سال زندگی جمهوری اسلامی که مهمترین محصول آن انقلاب نیرومند ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و مردمی بشمار می‌آید، هستیم. یکی از وجوه یا اهمیت انقلاب ایران همین ویژگی است که با اینکه اکنون ۴ سال از عمر آن می‌گذرد، هنوز یکی از مهمترین مسائل بین‌المللی است و نیروهای عظیمی را در سراسر جهان بخود مشغول میکند. آنچه را که این انقلاب تاکنون در زمینه سیاست بین‌المللی، یعنی در مناسبات ایران با دنیای خارج انجام داده، میتوان شرح زیرین خلاصه کرد:

**۱. انقلاب ایران یکی از مهمترین پایگاه‌های جهانی را در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان، یعنی منطقه خلیج فارس در هم شکست. همه میدانند که ایران زمان رژیم شاه سرنگون شده با هزاران زنجیر به امپریالیسم جهانی و در درجه اول به امپریالیسم آمریکا وابسته بود. و دولت ایران و ارتش ایران بطور همه جانبه، مانند رژیم صهیونیستی اسرائیل، اجرا کننده نقشه‌های امپریالیسم آمریکا بودند و بصورت ژاندارم مقتدری در منطقه خلیج فارس عمل میکردند. اعتماد امپریالیسم جهانی به نقش رژیم شاه سرنگون شده تا این حد بود، که احتیاجی به ایجاد پایگاه‌های نظامی نیرومند متعلق به خود در منطقه احساس نمیکرد، زیرا مطمئن بود که با وجود رژیم سرسپرده و نیرومند ایران در خلیج فارس، نفت این منطقه که برای امپریالیسم جهانی اهمیت حیاتی دارد، بدون کوچکترین تهدید بسوی دنیای سرمایه‌داری جریان خواهد داشت و هر حرکت مردمی در کشورهای این منطقه همانطور که در عمان شاهدش بودیم - بوسیله نیروهای متجاوز رژیم شاه در هم کوبیده میشد. همانطور که میدانیم، آمریکا برای نگهداری این پایگاه با اهمیت تمام شریانیهای حیاتی اقتصادی و نظامی و تمام دستگاه دولتی ایران را در دست خود گرفته بود، ارتش ایران را با بدترین جنگ افزارها مسلح کرده بود و بیش از ۵۰ هزار مستشار نظامی خود را برای اعمال حاکمیت سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی به ایران تحمیل کرده بود و ایرانیان تعلیم دیده در آمریکا را، که عد زیادی از آنها آگاهانه به خدمت امپریالیسم آمریکا درآمد، بودند، در مهمترین مقامات دولتی و ارتشی مستقر ساخته بود.**

البته باید یک جنبه دیگر سلطه آمریکا در ایران را بهمین اندازه

مورد توجه قرار دهیم و آن اهمیت اقتصادی ایران برای امپریالیسم جهانی و ویژه امپریالیسم آمریکا بود. میدانیم که ایران در دوران شاه، با تولید بیش از ۳۰۰ میلیون تن نفت خام در سال، دومین کشور تولید کننده نفت در اوج بود و نفت ایران، طبق قرارداد خائنانه‌ای از طرف رژیم شاه به یک کنسرسیوم انگلیسی، آمریکائی، هلندی، فرانسوی و انگلیز شده بود. انحصارهای نفتی امپریالیستی سالیانه دهها و دهها میلیارد دلار از نفت ایران سود میبردند و انحصارهای دیگر امپریالیستی، آن سهمی را که به ایران داده میشد، از راه فروش جنگ افزار و اجناس مصرفی خود به هزار ترفند و تیاره به بازارهای مالی جهان امپریالیستی باز میگرددند. کشورهای صدها امپریالیستی بازار ایران را در اختیار داشته و بیش از ۸۴ درصد تجارت خارجی ایران در دست آنان بود.

سومین جنبه سلطه آمریکا بر ایران دوران شاه، اهمیت استراتژیک کشور، برای نقشه‌های امپریالیستی در زمینه محاصره نظامی آنحساب شوروی بود. همانطور که میدانیم، ایران با اتحاد شوروی در طول نزدیک به ۴ هزار کیلومتر هم مرز است و این مرز از لحاظ نزدیکی به بخش‌های از صدها ترین مناطق استراتژیک درون اتحاد شوروی برای امپریالیسم آمریکا اهمیت فوق العاده دارد. ایران حلقه اساسی ارتباط سیستم نظامی امپریالیستی "ناتو" با سیستم‌های نظامی امپریالیستی در جنوب و جنوب شرقی آسیا بود. ایران عضو پیمان امپریالیستی سنتو بود، که از یکطرف بوسیله ترکیه عضو دیگر این پیمان با پیمان ناتو و از طرف دیگر بوسیله پاکستان "عضو سوم این پیمان" با پیمان سنتو ارتباط پیدا میکرد. در ایران مهمترین دستگاه‌های الکترونیک جاسوسی علیه اتحاد شوروی در نزدیکی مرزهای آن کشور مستقر گردیده بود.

این بود مختصات صدها ایران دوران شاه، بعنوان یکی از مهمترین پایگاه‌های استراتژیک امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و یکی از میدانهای غارت نواستعماری. انقلاب ایران این پایگاه را در هم کوبید و تمام حسابهای امپریالیسم جهانی را در این منطقه بسیار با اهمیت جهان در هم ریخت. در پیامدهای پیروزی انقلاب، قرارداد دو جانبه نظامی با آمریکا لغو گردید. ایران از پیمان سنتو خارج شد و در نتیجه پیمان سنتو از هم پاشید. قرارداد‌های خرید میلیارد‌ها دلار جنگ افزار از آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی طغی شد. دهها هزار مستشار آمریکائی از ایران اخراج شدند و هزاران مستشار و فاکتور دیگر کشورهای امپریالیستی مجبور شدند، ایران را ترک گویند. نفست ایران بعنوان بزرگترین منبع درآمد ملی از دست هشت پایهای امپریالیستی بیرون کشیده شد. مقدار زیادی از قرارداد‌های فاکتورانیسه تعمیلی بوسیله کشورهای امپریالیستی باطل گردید. باین ترتیب فریبه نیرومندی به منافع سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی و بوجه امپریالیسم آمریکا وارد آمد. ایران از حلقه کشورهای وابسته و سرسپرده به امپریالیسم جهانی خارج شد و به جرگه کشورهای غیر متعهد وارد گردید.

**۲. در زمینه مسائل درون جامعه ایران، انقلاب توانست دگرگونی‌های قابل توجه بوجود آورد. انقلاب نظام سلطنتی را، که طغی دو هزار و پانصد سال در ایران برقرار بود، با یک نهیب برانداخت و راه را برای ایجاد یک نظام جمهوری بر پایه افکار و آراء عموم مردم همسوار**

بقیه در صفحه ۲

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در حبه متحد خلق

متن کامل مصاحبه هفتگانه «رولوسیون»

بقیه از صفحه ۱

کرد . گردانندگان درجه اول نظام سلطنتی که مهمترین کارگزاران امپریالیسم جهانی بودند، یا از ایران فرار کردند یا اینکه در دادگاه های انقلاب محاکمه و مجازات شدند . بخش عمده ای از افسران ارتش سرسپرده به آمریکا از ارتش برکنار و عده ای از مهمترین مهره های جنایات دوران شاه اخراج گردیدند . سازمان مخوف ساواک، که ساخته و پرداخته سازمان " سیا " آمریکا و " موساد " اسرائیل بود، منحل گردید . مجلسی شور و سناي دوران شاه که تنها سرسپردگان امپریالیسم جهانی در آن گرد آمده بودند، از هم پاشیده شد و نمایندگان آن مانند وزیران سابق نظام سلطنتی، از اشتغال در هرگونه مقام دولتی محروم شدند . پانکهای خصوصی که یکی از عده ترین وسائل غارت کلان سرمایه داران وابسته به رژیم شاه و امپریالیسم جهانی بودند، ملی اعلام شدند . شورشهای عظیم خاندان شاه سرنگون شده و وابستگان دربار، که اکثر آنها بزرگترین مالکان و سرمایه داران کشور بودند، مصادره گردید و در اختیار نهاد های انقلابی قرار گرفت، بخش مهمی از کارخانجات بزرگ ( نزدیک به ۷۰ درصد ) که صاحبانشان به بانکهای دولتی و شخصی وام های کلان به هکار بودند، در اختیار دولت قرار گرفت . شورای انقلاب، بسط و تحمیت از خواست توده های دهها میلیون زحمتکش شهر و روستا، که با نیروی عظیم خود، بدون جنگ افزار، انقلاب شکوهمند ایران را بسط و پیروزی رسانده بودند، دست قوانین بسود زحمتکش و درجهست محدود کردن امکانات فارتگری کلان سرمایه داران، بزرگ مالکان تصویب کرد، قوانین مربوط به محدودیت مالکیت ارضی و واگذاری زمین های متعلق به بزرگ مالکان به دهقانان بی زمین و کم زمین، قانون ملی کردن تجارت خارجی، قانون ملی کردن زمینهای شهری و کوتاه کردن دست سفته سازان از بخش ساختمان و نظائر اینها . این سلسله تصمیمات بیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت شدند و بطور چشمگیری مورد تأیید توده های میلیونی رای دهندگان به این قانون قرار گرفتند . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سند تاریخی بسیار با اهمیت است که در آن مباحث مهم عمده ترین شعارهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یعنی تأمین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، جا گرفته است . البته در قانون اساسی نقاط ضعفی وجود دارد که در صورت چیر شدن نیروهای راستگرا در حاکمیت، میتواند در جهت معکوس محتوای واقعی قانون مورد سوء استفاده قرار گیرد .

این تصمیمات که بطور کلی در چهارچوب اصلاحات بورژوا دموکراتیک قرار داشتند، میتوانستند در صورت پیگیری و اجرا پایهای بسیاری در گرونیهای ژرفتر اجتماعی - اقتصادی علیه نظام غارتگر سرمایه داری بوجود آورند . در دستگاه حاکمیت کشور تحمیرات بنیادی بوجود آمد . نمایندگان انتشار بینابینی و روحانیت وابسته به آنان تمام مقامات کلیدی دستگاههای دولتی و قضایی و قانون گذاری، جای نمایندگان طبقات حاکمه کهنه جامعه سلطنتی را اشغال کردند . اینها بودند عده ترین دستاورد های انقلاب شکوهمند مردم ایران، که بخش اساسی و عمده آن در همان سالهای اول و دوم پیروزی انقلاب عملی گردید و با اینکه در سالهای سوم و چهارم بهر اثر يك سلسله عوامل، پیشرفت انقلاب دچار کندنی و رکود شد و در زمینه های گامهایی به عقب برداشت، هنسوسوز اثرات صیقل در جامعه ایران وجود دارد و بعنوان یکی از عوامل عمده، در درگیریهای اجتماعی دورانی که در برابر ماست، اثر خواهد گذاشت .

من: با این همه در کنار این بیلان مثبت مبارزات درونی میان نیروهای که از انقلاب ایران پشتیبانی کرده اند نیز گسترش یافته است . سرکوب بسیار شدید و اعداهای متعدد هنوز رواج دارد . بنظر میرسد کسه اقداماتی نگران کننده نسبت به حزب توده\* ایران انجام میگردد . آیا نمی بایست این وضعیت را در رابطه با تعالی برخی ها به تضعیف انقلاب ایران ارزیابی نمود ؟

ج: این پرسش کاملاً بجای و با اهمیتی است . واقعیت این است که در انقلاب ایران طیف فوق العاده رنگارنگی از نیروهای اجتماعی، با افکار و عقاید و آماجها و خواسته های گوناگون اجتماعی سیاسی و اقتصادی در همه زمینه ها شرکت داشتند . در يك سوی این طیف نیروهای وابسته به بورژوازی لیبرال و بخش قابل ملاحظه ای از روحانیون پشتیبان آنان قرار داشتند، که اهدافشان تنها در چهارچوب " محدود کردن " اختیارات شاه و کم رنگ تر کردن وابستگی به امپریالیسم جهانی جای میگرفت . در سمت دیگر این طیف نیروهای انقلابی مبارزی قرار داشتند، کسه خواستار در گرونیهای بنیادی بسود مخرومان جامعه بودند . اینها خواستار آن بودند که هرگونه وابستگی به امپریالیسم ریشه کن بسود، امکانات فارتگری سرمایه داران و مالکان تا حدود زیاد بسود توده ها محدود شود و شعار " استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی " به معنای واقعی و وسیع و ژرف آن بواقع اجرا در آید . در اینجا باید باین نکته هم توجه داده شود که با کمال تأسف در میان این نیروهای انقلابی از همان آغاز اوجگیری جنبش انقلابی سوء تفاهات ذهنی بسیار و اختلاف نظرهای عمیق در شیوه های عمل و برداشتها و ارزیابیها وجود داشت و امپریالیسم و ارتجاع با مهارت توانستند از این اختلافات بهره گیری نمایند و این نیروها را در مراحل مختلف انقلاب بچنان هم بیندازند و مجموعه نیروهای انقلابی را بمیزان قابل توجهی ناشناس سازند .

یکی از ویژگیهای انقلاب ایران این بود، که هیچ سازمان متشکله سیاسی و یا جبهه متشکل از يك سلسله سازمانهای سیاسی که برنامه مشخص و مدونی برای انقلاب داشته باشد، در مقام رهبری این انفجار عظیم مردمی قرار نداشت و درست است که امام خمینی، بعنوان شخصیت پر نفوذ بدون رقیب در مقام رهبری انقلاب جا گرفته بود، ولی شعارهای اساسی انقلابی امام خمینی، که در بخش تخریبی کاملاً مشخص بود و بطور ساده در براندازی نظام پوسیده سلطنتی شاه کوتاه کردن دست امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا و ایجاد جمهوری اسلامی خلاصه میشد، برنامه مشخصی برای دوران سازندگی انقلاب مطرح نمیکرد و در نتیجه گروههای گوناگون، هر کدام برنامه مورد علاقه خود را در چهارچوب شعار کلی " جمهوری اسلامی " که بصورت عمده ترین شعار سازنده انقلاب در آمده بود، جای میدادند . با چنین آغازی میسر رسید رویدادهای بعدی انقلاب را میتوان تا حد زیادی قانونمندان دانست این نقطه ضعف بسیار قوی، یعنی بدون يك سازمان و يك برنامه مدون مورد توافق برای سازندگی انقلاب، میدان را برای فائز دشمنان انقلاب باز میکرد و به آنان امکان میداد که در کوتاه مدت و هم در دراز مدت نقشه های شیطانی تفاق افکنانه خود را گام بگام بمرور اجرا در آورند . نیروهای راستگرا، یعنی آن بخش از نیروهایی که در حقیقت خواستار سازش با امپریالیسم جهانی و نگهداری پایه های نظام کهنه بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری هستند و با هرگونه در گرونی بنیادی بسود مخرومان جامعه دشمنی میورزند، بوقت شدند، بطور عمده شیوه های چندی که در جریان برکناری دولت بورژوا لیبرال موقت و پس از آن در جریان برکناری پانصد قطب زاده و بنی صدر به آنان وارد شد، از اختلافات نظمی سر میمان نیروهای مبارز انقلابی، آنچه میان سلطنتیان مبارز و نیروهای چپ دگر اندیش ( از آن جمله نیروهای راستین مارکسیست ) وجه در میان خود نیروهای مبارز مسلمان، بسود حفظ مواضع خود سوء استفاده کنند، در این جریان باید به اشتباهات بزرگ بخش مهمی از نیروهای ضد امپریالیست و مردمی و تحریکات آن قسمت از ستون پنجم دشمن امپریالیستی کسه ماسکهای " چپ " بر صورت خود زد ماند و از همان آغاز انقلاب بجای اتخاذ سیاست اتحاد و انتقاد و مبارزه، سیاست بود پروری و برخورد را با توده های میلیونی مسلمانان مبارز بهر خط امام خمینی برگزیدند، اشاره کنیم . این اشتباهات آب به آسیاب نیروهای راستگرا سرازیر کرد و بسط آنها امکان داد، که در چهارچوب مبارزه با تروریسم گور، که بسوی سلسله حادثه جویان از يك سو و از طرف ستون پنجم امپریالیسم، یعنی ساسا و اکینها و شاه پرستان و نظائر آنها از سوی دیگر، در جامعه ایران بسط



**ج :** نظر شما درست است؛ جنگی که آتش آنرا امپریالیسم آمریکایی روشن کرد و با تجاوز عهد شکنانه نیروهای عراق به یکی از حساسترین مناطق اقتصادی و سبب الجیشی مبین ما آغاز گردید و اکنون سال سوم خود را میگذراند و هنوز دورنمایی برای پایان پذیرفتن آن دیده نمیشود، تا کنون به دولت ایران و عراق خسارات انسانی و مادی بسیار سنگین وارد ساخته است. خسارات وارده از لحاظ انسانی بر دو طرف مدتهاست از مرز صد هزار نفر گذشته و خسارات مادی آن در ایران در این یک سال سوی مرز صد میلیارد دلار قرار گرفته است. هزینه جاری جنگ هر روز ۲۰۰ میلیون دلار از امکانات مالی ملت ایران را میبلعد و بدون شک در عراق هم همینطور است. صدها هزار نفر از جوانان دو کشور، بجای فعالیت سازنده برای شکوفایی اقتصاد و فرهنگ مبین خود، رودرروی هم ایستاد ماند و یک دیگر را نابود میکنند.

علاوه بر این خسارات و شاید مهتر از آن خسارات، تاثیر بسیار منفی جنگ بر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در درون جامعه ایران است. تجاوز عراق، که به تحریک امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، فیسراژ ناتوان کردن ایران انقلابی و هدف مهم دیگر نیز داشت، یکی ایجاد دشمنی میان خلقهای ایران و خلقهای عرب همسایه و در پیامند آن، کند کردن سرعت تاثیر انقلاب ایران در کشورهای امپریالیسم زده و ارتجاعی منطقه، دوم کند کردن روند گسترش و تکامل انقلاب در خود ایران. در پیامند جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران به سرعت افزایش یافته و نیروهای راستگرای وابسته بسسه کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که اهرمهای مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و با تظاهر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پستهای کلیدی نهاد های انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواریها بهره گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کندتر و کندتر کردند و آنرا به رکود کشاندند. در این چهار چوب میتوان امروز به روشنی دید، که با کمال تاسف امپریالیسم آمریکا، که آتش افروز اصلی این جنگ است، به بخش زیادی از هدفهایی که با روشن کردن این آتش در برابر خود قرار داده بسود، رسیده است.

حزب سوده\* ایران در عین اینکه همیشه از لزوم مجبور کسردن نظامی متجاوزین عراقی به ترك زمینهای اشغال شده از میهنمندان پشتیبانی کرده است، عقیده دارد که ادامه این جنگ در شرایط کنونی تنها و تنها بسود امپریالیسم جهانی و صهیونیسم اسرائیل در منطقه است. امپریالیسم آمریکا می کوشد که از درگیری دو کشور از بزرگترین کشورهای منطقه خلیج فارس بهره گیری کند و مواضع خود را در این منطقه هر روز مستحکمتر سازد و شرایط را برای استقرار حکومت های کاملاً وابسته بخود در این دو کشور آماده گرداند. صهیونیسم اسرائیلی هم با راهنمایی و پشتیبانی آمریکا، از این درگیری هر روز بیشتر بهره گیری میکند و فشار خود را بر مردم فلسطین و لبنان می افزاید و تجاوز جناح یستار خود را گسترش میدهد. بی جهت نیست که هم آمریکا و هم اسرائیل و هم سایر همدستانشان در دنیای امپریالیستی فیکوشند تا از همه راههای ممکن نفت بر این آتش بریزند و شعله های جنگ بین دو ملت محروم و برادر را، هر قدر ممکن است، شعله و رتر سازند.

بسیاری از دولتمردان و میثولان در حاکمیت ایران هم ایسین واقعیت تلخ و دردناک را می بینند، ولی با کمال تاسف هنوز دورنمایی برای پایان یافتن جنگ پیدا نشده است. از طرف دیگر، باید انتظار داشت که با تدارکات وسیع و همه جانبه ای که امپریالیسم آمریکا در تمام منطقه اطراف خلیج فارس، از دریای مدیترانه و دریای سرخ گرفته تا پاکستان، دیده است، ادامه جنگ میان ایران و عراق و بویژه حدت پانفین آن، وضع منطقه را بطور جدی و بسود امپریالیسم متزلزل مسازد. واقعیت مسلحی است که هدف اساسی و تغییر ناپذیر امپریالیسم آمریکا در منطقه براندازی رژیم کنونی جمهوری اسلامی و جانشین ساختن آن با یک رژیم سرسپرده به آمریکا است، امپریالیسم آمریکا می کوشد با از راههای خارجی و یا از راه تحریکات داخلی در جهت مسخ حاکمیت

## متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون"

بقیه از صفحه ۲

مورد اجرا گذاشته شد، ضربات جدی به همه نیروهای انقلابی مردمی، ام از بیرون سوسیالیسم علمی و یا آن بخشی از نیروهای مسلمان مبارز، که خواستار جدی دگرگونیهای بنیادی بسود بیرومان هستند، وارد آوردند. نیروهای قشری و راستگرا توانستند از این شرایط بهره گیری کنند و مبارزه علیه تروریسم کور را در ایجاد بسیار گسترده تری بصورت مبارزه با آزاد بیهای فردی و اجتماعی تصریح شده در قانون اساسی، در آورند و همه دگراندیشان را مورد تحقیر و مجازات قرار دهند.

بدون تردید این روش سیاسی، که در حاکمیت ایران هر روز وزنسه سنگین تری پیدا میکند، به انقلاب پیمان میرساند و موجب میشود که بخشی از نیروهای انقلابی، که هواداران پیگیر و راستین انقلاب هستند، از صحنه مبارزه برای نگهداری دستاوردهای انقلاب کنار زده شوند و در نتیجه صف نگهبانان انقلاب هر روز ناتوان تر شود. این واقعیتی است که بویژه در یک سال اخیر، یعنی در چهارمین سال زندگی انقلاب ایران، ما شاهد هستیم. در عین اینکه اقدامات تروریستی به میزان چشمگیری ناچیز شده اند، ولی محدودیت های سیاسی در مورد آزاد بیهای فردی و اجتماعی و فشار سیاسی به دگراندیشان و بویژه به نیروهای چپ هر روز افزایش می یابد و این فشار نه تنها به آن بخشی که از عملیات تروریستی پشتیبانی کرده، بلکه به آن بخشهایی، که از همان آفسساز اقدامات تروریستی را محکوم کرده و از غلط ضد امپریالیستی و مردمی در حاکمیت جمهوری اسلامی، یعنی امام خمینی، پشتیبانی کرده، نیز وارد می آید.

حزب سوده\* ایران از همان اولین روزهای اوچگیسری جنبش انقلابی ایران، با ارزیابی درست از نیروهای شرکت کننده در انقلاب و گرایشهای آنها، سیاست پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی و پیروانش را در پیش گرفت و آنرا با قاطعیت دنبال کرد، و بهمین جهت مورد دشمنی کینه توزانه دشمنان انقلاب ایران قرار گرفت.

حزب ما شعار جبهه متحد خلق را، جبهه ای که همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی مسلمان و دگراندیشان را در برگیرد، برگزید و پیگیرانه در راه تحقق آن تلاش کرد. حزب ما با تجربه گیری از مبارزات چهل ساله انقلابی خود و با آموزش از تجربه انقلابهای مردمی در سایر کشورها سیاست اتحاد و انعقاد با همه نیروهای ضد امپریالیست و هوادار حقوق محرومان را انتخاب کرد و سعی کرد تا با کمک فکری بسسه سایر نیروهای مترقی و مردمی که دچار گمراهی و اشتباه میشوند، به آنان در تصحیح اشتباهاتشان یاری رساند.

تحسول سیاسی چشمگیری "سازمان فدائیان خلق" که بخش قابل توجهی از نیروهای مبارز جوانان پیرو سوسیالیسم علمی را در بر میگیرد، از مواضع سکتاریستی چپ روانه بسسه مواضع درست انقلابی و انترناسیونالیستی را میتوان اولین رویداد مهم در روند جیره شدن بر اختلافات در جبهه نیروهای خلقی بحسباسب گذاشت. در یک سال اخیر اولین نطفه های توجه به اهمیت تشکیل جبهه ای از نیروهای مسلمان مبارز یا همه گروهها و سازمانها و سوسیالیسم نیروهای دگراندیشان انقلابی، در میان بیروان اسلام انقلابی دیده می شد و میتوان امیدوار بود که مسیر آینده رویداد های سیاسی در ایران و در منطقه، تشدید فشار امپریالیسم جهانی برای سرکوب جنبش های انقلابی ضد امپریالیستی در منطقه و آشکارتر شدن مملکت سازشکاران و تسلیم طلبان و نقش روز افزون آنان در حاکمیت جمهوری اسلامی، این نطفه را بیش از پیش تقویت نماید.

من: جنگی که کشورها را در مقابل عراق قرار داده همچنان ادامه دارد. این جنگ تا کنون قربانیان زیادی داشته و ضربات شدیدی نیز بر اقتصاد کشور وارد آورده است. شما پایان دادن به این جنگ را چگونه می بینید؟

متن کامل مصاحبه هفته نامه "رولوسیون"

بقیه از صفحه ۳

کنونی ایران و مسلط ساختن نیروهای راست در آن، به این هدف برسد. ادامه جنگ، که بدون تردید موجبات ضعیف کردن ایران را دربر خواهد داشت، برای پیشرفت این نقشه جهانی امپریالیسم آمریکا شرایط هر روز مساعدتری بوجود می آورد.

بر پایه این واقعیات، حزب توده، ایران بر آن است که ادامه این جنگ با زیانهای یازهم بیشتری برای میهن ما همراه خواهد بود، و برعکس، پایان بخشیدن به جنگ ظریف هم خساراتی و زیانهای گس وارد آورده است. از این جهت که در جهت خنثی ساختن نقشه های شیطانی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه، اثر صبیق خواهد گذاشت ما لا بد است که انقلاب ایران و گسترش جنبش ضد امپریالیستی در تمامی منطقه تمام خواهد شد.

س: بطور کلی چه دورنمای سیاسی به مردم ایران پیشنهاد میکنید؟ موضع حزب توده، ایران نسبت به نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی در ایران چگونه است؟

ج: پاسخ به این پرسش دشوارتر از پاسخ به پرسش های دیگر است. علت هم اینست که انقلاب ایران یکی از بخرنج ترین دورانهای خود را میگذراند. واقعیت اینست که چهارمین سال انقلاب نیروهای راستگرا در سیاست داخلی و سیاست خارجی بدو زمینه های نظامی اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی حملات همه جانبه خود را به دستاورد های انقلاب شدت دادند و مواضع مهمی را از دست نیروهای وفادار به انقلاب، یعنی پیروان راستین خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی بیرون کشیدند. در مجلس شورای اسلامی، در طی این سال صد قابل توجهی از نمایندگانی که در گذشته در جهت خط مردمی، یعنی هواداری از دگرگونیهای بنیادی یسود محرومان جامعه و محدود کردن امکان غارتگری ثروتمندان قرار داشتند، به تدریج به اردوگاه مقابل تسلیم پیوستند. قوانینی که به نحوی از انحاء منافع طبقات استعمارگر بزرگ جامعه را مورد تهدید قرار دهد، تنها با اقلیت ناچیزی میتواند در مجلس تصویب برسد. تازه این قوانین، اگر در مجلس به تصویب برسد، در شورای نگهبان قانون اساسی، که از قهرهای اسلامی شیعه، با انتخاب امام خمینی، برگزیده میشوند، مورد تأیید قرار نمیگیرد.

آزاد بیهای سیاسی و اجتماعی و مطبوعاتی پیش از پیش زیر پا گذاشته میشوند و پیوندهای این زمینه نیروهای راستین چپ هر روز بیشتر زیر فشار قرار میگیرند. هرگونه فعالیت سیاسی نیروهای دگراندیش مردمی، اعم از مسلمانان چپ گرا و یا پیروان سوسیالیسم علمی، غیر ممکن گردیده است. بنا اینکه طبق قوانین تصویب شده در مجلس، فعالیت احزاب سیاسی و آزادی مطبوعات، تا حدود معینی مجاز اعلام شده، اما در عمل، این فعالیت بوسیله نیروهای راستگرا که در دادگاههای انقلابی مواضع کلبیدی را در دست دارند، غیر ممکن میگردد.

در زمینه سیاست خارجی، با اینکه آمریکا و اسرائیل بهمنسوان دشمنان شماره یک و شیطان بزرگ در مرکز تبلیغات قرار دارند، و در دوران اخیر فرانسه هم به آنها اضافه شده است، ولی در عمل گرایش دولت جمهوری اسلامی به توسعه مناسبات و دادوستد های اقتصادی با دنیای امپریالیستی و بویژه با ژاپن، اروپای غربی و کشورهای وابسته به آنان، مانند ترکیه و پاکستان و نظائر آنها، بطور روز افزونی گسترش پیدا میکند.

در میدان مناسبات سیاسی با دنیای خارج، به شوری ستیزی آشکار در تبلیغات پر دامنه داخلی وابسته به حاکمیت و در تظاهرات سیاست خارجی رسمی کشور، دامن زده میشود و کوشش میشود که بسا بزرگ کردن خطر راهی شوروی و کمونیسم، افکار عمومی مردم برای گس ایشهای جدید حاکمیت جمهوری اسلامی در سیاست خارجی آماده گسردد.

در زمینه اقتصادی، از یکسو در جهت تأمین عدالت اجتماعی یسود

محرومان تقریباً میتوان گفت، که هیچ اقدام اساسی و بنیادی انجام نرفته است، ولی در مقابل گامهایی در جهت تحکیم و تقویت مواضع کلان سرمایه داران و مالکان بزرگ برداشته شده و میشود. مالکانی که از ترس انقلاب گریخته بودند، به اراضی خود باز میگردند و بکند نهاد های دولتی و انقلابی زمینهای خود را از دهقانان، که در چند سال اخیر آنرا کشت میکردند، پس میگیرند. بسیاری از کارخانجاتی که در اثر بد حکاری کلان صاحبانشان به دولت، به تملک دولت درآمده بود، یکی پس از دیگری به صاحبان اولیه بازگردانده میشود. فشار گرانی سرسام آور، که در درجه اول پیامد غارتگری بی سابقه محافل سرمایه داری بزرگ است، بر روی میلیونها کارگر و دهقان و کارمند و روشنفکر و تولید کنندگان خرده پا هر روز سنگین تر میشود. اقدامات نیروهای انقلابی در حاکمیت جمهوری اسلامی در برابر بقاوت سرسخت محافل سرمایه داری و مدافعان و وابستگانشان در حاکمیت و دستگاه دولتی، تا حد زیادی خنثی میشود.

به این ترتیب میتوان گفت که انقلاب در همه زمینهها دچار بحران روزنی شده است و در پیامد این بحران، ناخوشنودی توده های وسیع زحمتکشان شهرو روستا هر روز شدت پیدا می کند.

ضد انقلاب داخلی و دشمنان خارجی انقلاب و به ویژه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل که ستون پنجم نیرومندی در داخل کشور در اختیار دارند، با تمام وسائل تبلیغاتی و سازمانهای وابسته یخسود و بهکند بخشی از روحانیت وابسته به ارتجاع، میکوشند این ناخشنودی را در جهت ناتوان کردن انقلاب، جدا کردن مردم از نیروهای راستین هوادار پیشرفت و گسترش انقلاب، مورد بهره گیری قرار دهند. فقدان یک تشکل سیاسی - اجتماعی، که نیروهای راستین انقلاب را به صورت جبههای در بر گیرد، نبودن تشکل سیاسی در میان پیروان خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی، و وجود اختلافات جدی در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک در میان نیروهای انقلابی چپ، وجود سوء تفاهمات میان نیروهای انقلابی چپ و نیروهای پیرو خط امام خمینی، که گاهی به دشمنی های شدید می انجامد همه و همه کار را برای دشمنان انقلاب آسان میکند.

ولی در برابر این روند منفی، رشد بیداری و آگاهی انقلابی در توده های محروم شهر و روستا بویژه در میان کارگران، روشنفکران و دهقانان بی زمین و کم زمین، عامل مهمی در جهت جلوگیری از دسانس نیروهای راستگرا و ضد انقلاب بشمار می آید.

در این شرایط، مسئولیت تاریخی سنگینی به عهده تمامی طیف نیروهای مردمی پیشرو، از پیروان اسلام انقلابی امام خمینی تا نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی است. البته سنگین ترین بخش این مسئولیت به عهده نیروهای انقلابی مسلمان است، که از نفوذ قابل توجهی در میان توده ها برخوردارند. اگر این نیروهای هوادار محرومان، نیرومندی هوادار استقلال واقعی و همه جانبه نیروهای هوادار آزادی پسرای اکثریت محروم جامعه بتوانند در این دوران سرنوشت ساز با توجه به مسئولیت تاریخی خود جبهه متحدی بوجود آورند و با تکیه به نیروی عظیم توده های زحمتکش خواستار دگرگونیهای بنیادی، حمله نیرومندی راستگرا را با ناکامی روبرو سازند، بدون تردید انقلاب راه پر افتخاری که در چهار سال پیش آغاز کرد، ادامه خواهد داد.

آنچه حزب ما بعنوان راه بیرون رفت از بحران کنونی پیشنهاد میکند، گام برداشتن در این راه، یعنی راه ایجاد یک جبهه متحد از همه نیروهای انقلابی مسلمان و نیروهای دگراندیش پیرو سوسیالیسم علمی و سایر نیروهای میهن دوست و آزاد پخواه است. تنها چنین جبههای که در داخل کشور به نیروهای عظیم خلق متکی باشد و در صحنه جهانی، جبهه عظیم نیروهای ضد امپریالیستی همکاری نماید و از پشتیبانی بیدریخ این جبهه عظیم جهانی برخوردار شود و انقلاب ایران از آن یسود مبارزه آشتی ناپذیر با امپریالیسم جهانی بهره گیری کند، میتواند انقلاب را از بحران کنونی خارج سازد و بسوی شکوفایی هدایت نماید.